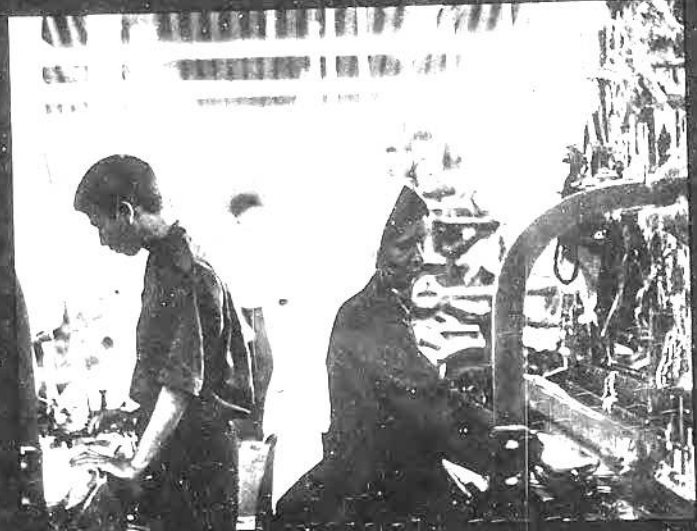


کار در کارخانه



آزادی زنان فقط زمانی تأمین می گردد که تمام زحمتکشان

از قید ستم و استثمار رها شوند.

اتحاد ملی زنان چگونه سازمانی است .

"اتحاد ملی زنان" سازمانی است مستقل، دموکراتیک و ضد امپریالیست که به هیچ حزب، گروه، و دسته‌ای وابسته نیست و بخاطر حاصل شدنکارتیکه آن دارای ایدئولوژی خاص نمی‌باشد و افراد متبوند با حداقل اعتقادات خود و قبول منشور در آن سازمان فعالیت نمایند. بدینوسیله است که هیچ یک از اعضای حق تحصیل اصول خاص اعتقادات خود را به سازمان ندارند و فعالیت آنان باید منحصر در چهار چوب منشور انجام پذیرد.

آیس سازمان از تاریخ ۱۸ / ۱ / ۱۳۵۸ فعالیت خود را آغاز نمود.

- ۱- بر مقاله - عبدبزرگ کارگری بر کارگران و زحمتکشان ایران خسته باد.
- ۲- و رهنویسی قانون تأمین اجتماعی - آریا میری در پیش نویس قانون تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی
- ۳- تعطیل دانشگاهها بسود کجاست؟
- ۴- گفتگوی یک معلم مبارزه انگیزه بزرگداشت ۱۲ اردیبهشت روز معلم
- ۵- نقش زنان در تولید
- ۶- مبارزه با بیگاری مبارزه علمی با سلطه امپریالیسم
- ۷- زن کارکن و مادر الکساندرا کولونتای
- ۸- خواهر قالیباف
- ۹- اجرای سنتهای شوروی در کوی سیزده آبان
- ۱۰- شوراها و محلات (سنگها) در سنج
- ۱۱- پیام "اتحاد ملی زنان" بمناسبت روز معلم (۱۲ اردیبهشت)
- ۱۲- اخبار ایران و جهان
- ۱۳- دو مینیلا سخن میگوید

عید بزرگ کارگری بر کارگران و زحمتکشان ایران خجسته باد

۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، عید بزرگ کارگران و زحمتکشان جهان علیه سرمایه‌داری و استثمار است. این روز را در سال ۱۸۸۹ میلادی (۱۲۶۸ شمسی) در فرانسه به مناسبت مبارزه کارگران برای گرفتن ساعت کاری کمتر و دستمزد بیشتر، روز بزرگ کارگران نامیدند. این روز در سراسر جهان به مناسبت گرفته شده و در ایران نیز به همین مناسبت در روز ۱۱ اردیبهشت، عید بزرگ کارگران و زحمتکشان ایران نامیده می‌شود. این عید در سال ۱۳۵۸ در ایران به مناسبت مبارزه کارگران برای گرفتن ساعت کاری کمتر و دستمزد بیشتر، روز بزرگ کارگران نامیدند. این روز در سراسر جهان به مناسبت گرفته شده و در ایران نیز به همین مناسبت در روز ۱۱ اردیبهشت، عید بزرگ کارگران و زحمتکشان ایران نامیده می‌شود.

کارگران میهن ما در شب تاریک روزگار در جانی میگردند که ایران در مرحله‌ای دشوار و خطرناک تاریخی خود بسر میبرد. اینجاست که با وجود اینکه با وجود همه مشکلات و دشواریها، خلق کثیف ما همی ای خیرتو را بر سر می‌نویسند تا درست و سازگارانه در همه جا موش کداز و خشمی، از سر و شعله و گرگ بردیده، ملت ما طی راه پیمانی‌های مستعد پیمان خونین خود را با شهادی بشماره‌ای از سرزمین جدید میگذرانند که تا کسب آزادی واقعی از پای ننشینند. کارگران و زحمتکشان ایران خوب میدانند که آزادی شان جزا طریق قطع وابستگی با امپریالیسم نخواهد بود. کارگران و زحمتکشان ایران با همی ای خیرتو را بر سر می‌نویسند تا درست و سازگارانه در همه جا موش کداز و خشمی، از سر و شعله و گرگ بردیده، ملت ما طی راه پیمانی‌های مستعد پیمان خونین خود را با شهادی بشماره‌ای از سرزمین جدید میگذرانند که تا کسب آزادی واقعی از پای ننشینند. کارگران و زحمتکشان ایران خوب میدانند که آزادی شان جزا طریق قطع وابستگی با امپریالیسم نخواهد بود.

کارگران و زحمتکشان ایران در مسأله مبارزه با سرمایه‌داری و استثمار، با همی ای خیرتو را بر سر می‌نویسند تا درست و سازگارانه در همه جا موش کداز و خشمی، از سر و شعله و گرگ بردیده، ملت ما طی راه پیمانی‌های مستعد پیمان خونین خود را با شهادی بشماره‌ای از سرزمین جدید میگذرانند که تا کسب آزادی واقعی از پای ننشینند. کارگران و زحمتکشان ایران خوب میدانند که آزادی شان جزا طریق قطع وابستگی با امپریالیسم نخواهد بود.

رونویسی قانون تأمین اجتماعی آریا مهری در پیش نویس قانون تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی

می بخشد. حال باید دید پیش نویس قانون تأمین اجتماعی که توسط سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی تهیه شده در خدمت چه کسانی قرار دارد و بنا چه حد تا مین گشاید و راه کارگران و خانواده های آنان است.

نخست با تدوین قسمت اعلام مواادین - سوسی - عینا ارفا نون تا مین اجتماعی آریا مهری رونویس شده - بعبارت دیگر تا مین سوسی

در موا معی که نیروی کار و زحمات کارگران و زحماتشان (یعنی اکثریت جامعه) در پی کشد. سوده چه بیشتر مورد استفاده بهره کشان (یعنی اقلیتی جا چیز) قرار میگیرد. تهیه و تدوین قوانینی چون قانون تأمین اجتماعی، قانون کار و رفوا نین مشابه آنچه در نظر ضروری است. مثلا بیشتر کردن شرایط کار برای کارگران و تا مین خواسته های اقتصادی و اجتماعی ابتدائی آنان.



با رونویسی همان قانون گذشته است. با استدلال نویسندگان پیش نویس پرسید، گرفتاری ها و مشکلاتی را تا مین اجتماعی را تا مین کشنده رفاه کارگران و زحماتشان میداند. سند تعبیرها راه ای گمانه چینی آن چه ضروری داشته باشد تا مین سوسی را تا مین سوسی (همان نظریه خواه جدید) شرایط کار را برای زنان و مردان کارگران را حتی تا هوانا بیشتر از گذشته را رند و خود در ضرورتی از انسان و از امکانات و حمایت های قانونی، ارزشمندی گذشته نیز مدد و در کند.

در این مختصر مجال مقایسه کامل پیش نویس قانون جدید با قانون گذشته وجود ندارد و تنها بزرگوار دشمنانی اکتفا می کنیم که خوبی نشان میدهد یا نویسندگان قانون در فکر تا مین رفاه کارگران و کسانانی را رفاقت فرمای کارورندگی آنان بوده اند یا در فکر رفاه و سود بیشتر کارفرمایان یکی از این موارد که حق بیمه و کسالت از سهم برداشتی کارفرما است. توضیح آنکه در قانون گذشته حق بیمه ۲۸٪ بوده که ۷٪ بوسیله بیمه شده و ۱۹٪ بوسیله کارفرما ۳٪ از کسالت دولت پرداخت میشود. در پیش نویس قانون جدید حق بیمه ۲۷٪ در نظر گرفته شده که ۵٪ بعهده بیمه شده، ۱۲٪ بوسیله کارفرما و ۹٪ بعهده دولت است. بطوریکه می بینیم قانون نویسان کوشش کرده اند چرخه ممکن است از بار! کارفرما بکا هندوسر مسئولیت دولت بگیرانند. با بدین سرمد دولت جمهوری اسلامی حامی چه افکار رولیفانی است؟ طبق ماده (۴۶) بهره دهی کارفرما آریا است حق بیمه یا زمان تأمین اجتماعی در قانون قدیم ۱۲٪ در نظر گرفته شده بود که در قانون جدید ۱۵٪ تقلیل یافته. بطوریکه می بینیم کارفرما همه جا مشمول عسالت و حمایت نویسندگان پیش نویس قانون قرار داده شده است. در ماده (۵۸) پیش نویس. افراد تحت تکفل بیمه شده که حق استفاده از کمکهای مفرد در قانون را دارند. شامل همسر (زن بیمه شده) و شوهر... می باشد اما استفاده شوهر از کمکها منوط به آنست که سن او زیر شصت سال باشد. به این ترتیب هرگاه زنی سنش تا آن آرخا سواد باشد اما از سواد دهنه شوهر علی و از کارا رفاقت داده بس قانونی! شصت سال تمام

رسیده با تدقی برخورداری از کمکهای سازمان تأمین اجتماعی را ندارد. معلوم نیست استدلال نویسندگان این ماده که عینا ارفا نون فلسفی رونویس شده چه بوده و اساس این تفاوت و تمییز نشان زن و مرد را گری که هر دو سوسی ن مسئول ادراغ خوانا داده خود هستند چیست؟ زن و مرد کارگری را تصور کنید که هر یک مسئول ادراغ زندگی همسر و فرزندان خود هستند. مرد کارگر از کمک های (هر چند ساجیز و ناقص) پزشکی و درمانی برای زن و فرزندانش برای قانون برخوردار است اما زن کارگر تنها به این دلیل که شوهر تحت تکفلش هنوز بیمه مفرد - یعنی تحت مال - نرسیده از این حق محروم میماند؟ معلوم نیست قانونگذار چه راهی برای تأمین این هزینه ها را برای زن بدون پیشنها دمی کند. آیا کسانیکه معتقدند کمی دستمزد زنان کارگران برای آنان در برخورداری از امکانات و حمایت قوانین در جوامع سرمایه داری خود را عمل را بنده و مختصا و نساجا معاست. کسانیکه استدلال میکنند که در حقیقت جامعه سرمایه داری فروش جسم را بعنوان راه تا مین کمی دستمزد و جبران تا برای هابه زن عرضه میکند حق نیستند؟ در بند (۵) همین ماده با یک تبیین آشکار دنگ نسبت به زنان برخورد می کنیم. مادر تحت تکفل بیمه شده بشرطی از کمک درمانی سازمان برخوردار میشود که "شوهر او (بدر بیمه شده) سن تحت تکفل بیمه شده باشد". در حالی که برای پدر بیمه شده چنین شرطی در نظر گرفته شده است. ممکن است پاسخ دهند که زن تحت تکفل شوهر است اگر شوهر کارا رفاقت داده باشد ضرورتی ندارد

آزادی زنان فقط زمانی تأمین میگردد که تمام زحماتشان از قیدستم و استثماررها شوند



شود.

در ماده ۶۹ (مکرر) همین فصل آمده است «در صورتی که بیمه‌شده زن یا همسرش همسر مفیل از رسیدن طفل به دوسالگی فوت نماید... از تاریخ فوت مادر، تا پایان دوسالگی طفل مقرری ماهانه معادل یک سوم حداقل مزد کارگر ماهی با است هزینه نگاهداری طفل به سرپرست قانونی او پرداخت خواهد شد». با بدسربسیدنی از گذشت مدت دوسال هزینه نگاهداری طفل به عهده چه کسی خواهد بود؟ آیا کودک دوساله به نظر آسان‌بار امرای قضایی ما درمی نیاراست. چه سکه درجا معصه میمنشی برسرپوشگی بیوان زنیشوری کارگروه دوساله نیزاستفاده کردو وسا کارکردن ستواندهربیمه زندگی خودرا تا من کند!

در فصل چهارم از دواج وعائله بندی یکی از شرایط پرداخت کمک ازدواج «داشم بودن عقد ازدواج ونست شدن آن در دفتر رسمی ذکر شده است. شرط «مقدداشم» درموارد دیگری نیزدر این قانون بچشم میخورد. تنها بعنوان یک جمله معترضه میگوئیم که خوبست قانونگذاران جمهوری اسلامی یکبار برای همیشه با صراحت کافی تکلیف

نیده در صفحه ۲۴

زنان زحمتکش ما خواهان مزد مساوی در مقابل کار مساوی هستیم.

تعطیل دانشگاهها بسود کیست؟

تعطیل دانشگاهها سلب آزادیهای دموکراتیک مردم ایران و بیش از همه دانشگاهیان است

برنامه ریزی آموزشی و تصفیه دانشگاه ها از عناصر ضد انقلاب پیوسته مورد درخواست دانشگاهیان آزاده بوده است و زمانی که عناصر ساواکی و خود فروخته، عناصری که دست های کثیفشان به خون بهترین فرزندان خلق آلوده است به آسانی و بیگانه مورد غفو و بخشودگی قرار میگیرند، تعطیل دانشگاهها به بهانه تصفیه و برنامه ریزی، بهانه ای با پذیرفتنی و حیرت آور است.

بسته شدن دفاتر دانشجویی و ممنوع شدن فعالیت های صنفی و سیاسی دانشگاهها تنها مانعی در جهت گسترش و تعمیق آگاهی مبارزاتی دانشجویان بوده و از اینرو گام دیگری است در جهت تثبیت نفوذ امپریالیسم. ما این اقدامات ضد دموکراتیک را محکوم میسازیم و هرگونه تصمیم گیری در مورد تغییر در سیستم آموزشی را مشروط به مشورت و مشارکت دانشجویان و دانشگاهیان میدانیم.



درست هم زمان با اوج گیری احساسات ضد امپریالیستی مردم ایران، درست زمانیکه توده های محروم میهن ما، با شرکت در تظاهرات متعدد عمق خشم و نفرت خود را نسبت به امپریالیسم جنایتکار آمریکا و وابستگان آن نشان میدهند و از هیئت حاکمه میخواهند نه در حرف که در عمل به قطع همه وابستگی ها با جهانخواران دست زند و به شعار و سخنرانی بسنده نکنند، ضرورت تعطیل دانشگاهها به بهانه تصفیه و برنامه ریزی مجدد سیستم آموزشی و بستن دفاتر دانشجویی عنوان میشود و بنیادال «فرمان شورای انقلاب سراسر کشور به خشونت و ستیز کشانده میشود. خشونت و ستیزه با امپریالیسم و کارگزاران داخلی آن بلکه با هموطن و همگام در نبرد سرنوشت ساز کنونی.

دانشجویان که بیثباتی از هر کس از این امر زیان می بینند بحق آنرا توطئه جدیدی علیه تداوم انقلاب و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران میدانند.

تصمیم «شورای انقلاب» و ریاست جمهوری، به هر دلیل و بهانه ای صورت گرفته باشد، سلب آزادی های دموکراتیک مردم ایران و بیش از همه دانشگاهیان است، که پیوسته بیشگام مبارزات آزادی خواهانه علیه رژیم سرسپرده شاه بوده اند و جز ایجاد آگاهانه تفرقه در صفوف متحد خلق و به بیراهه کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران نتیجه ای نخواهد داشت.

مرگ بر آمریکادشمن اصلی خلقهای جهان

گفتگو با يك معلم مبارز

به انگیزه بزرگداشت ۱۲ اردیبهشت روز معلم

بیا درمیان آگاهان و ستارگان روزی که هنگام ما سایر اقشار و طبقات زحمتکش میهمانان علیهم السلام میریالیسم و دیکتاتورانی که در زمین و آسمان با خند، و با انگیزه بزرگداشت ۱۲ اردیبهشت سال ۴۰ که نظاره‌ها اعتراضی معلمان بدست جلادان شاهنشاهی و با خون کشیده شده و دیکتاتور خانعلی شهید گردید. گفتگویی با یک معلم مبارز داریم که میخواند:

■ نظرتان در باره نقش معلمان در جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک چیست؟

■ نقش معلمان را از زوایای جنبه‌ای می‌توان مورد بررسی قرار داد

۱- نقشه که تشکیل می‌دهند در پیشبرد جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک دارند در این زمینه ما بندها درها دموکراتیک دیگر می‌توانند در افکار سیاست‌های غیر دموکراتیک هیئت‌ها که موثر باشد و این وسیله آگاهی‌دهی و وسیع مردم را نسبت به وضع موجود افزایش دهند که نقش معلمان ما در این راه‌های ۳۹-۴۰ نمونه‌ای از آن است.

۲- نقشه که معلمان آگاه و درک‌کننده‌ای در این راه می‌کنند بطوریکه یک معلم آگاه به تنهایی قادر است از طریق آگاهی دادن به شاگردان خود نسبت به سستی که به‌شده‌های زحمتکش روا می‌شود

آنها را با رهنمود میریالیستی و ترفیق‌خواه تربیت‌کنند و از این جنبه‌ای تک‌نقش بسزایی در جنبش توده‌ها با ما می‌کنند. ■ بنظر شما خواست معلمان در شرایط کنونی چیست؟

■ با بدو و محرومیت‌های که معلمان در رژیم منفرجه‌ای دارند، با آزاری کم. معلمان از کوچکترین حق اظهار عقیده در کلاس محروم بودند و همواره با توهین و اذیت‌ها در کلاس‌ها و بیرون آن احساس می‌کردند. معلمان در ادارات و مراکز مدرسه نمی‌توانستند کوچکترین دخالتی بکنند، با آنها چنین حقی داده نمی‌شد، مدیران تعیینی بود

و به نوعی رئیس و فرمانروا در مدرسه. معلمان از نظر رفاهی نیز همواره در مضیقه بوده‌اند. مثلاً یکی از مشکلات معلمان زحمتکش، نداشتن مسکن و عدم توانایی مالی در خرید خانه بوده است، همیشه بر سر اقساط‌های مختلفی که در ماه یا سه‌ماهه می‌پرداختند و پیشانی آن‌ها در نظر بیمه و درمان نیز وضعیت مساعدی نداشته‌اند. طبیعی است که در شرایط کنونی و پس از زمرنگونی رژیم پهلوی

معلمان می‌خواهند خواهش‌های به‌حقشان برآورده شود به معلمان زحمتکش و آگاهی‌دار آزادی‌میلان عقیده در کلاس‌ها داده شود، تفتیش عقاید به‌بهرتنگی از میان برود، جای ادارات منفرجه‌ای و ظلمت را

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی،

نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی

بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

جنبه‌ای شبیه آن بر تنگدوگانی که در رژیم گذشته بر علیه معلمان خیرچینی می‌گردید تعقیب می‌شود، تمام تصمیم‌گیری‌های آموزشی و پرورش باید با مشورت با نمایندگان معلمان صورت گیرد. معلمان می‌خواهند در اداره مدرسه و در انتخاب مدیران طریق شورا‌های واقعی خود شرکت داشته باشند. کتابهای درسی باید با ملازمت با نیازهای آموزشی اجتماعی و با جدی‌ترین انقلابی‌ها برای معلمان آگاه و مترقی تغییر پیدا کند و با اصلاحات معلمان می‌خواهند که از نظر رفاهی وضع آنها بهبود یابد. برای مثال مسکن تهیه شود. حقوق ما هم‌اکنون متناسب با سایر اقشار نیست و زندگی افزایش یافته و وضع جسم و روان آنها مورد تجدیدنظر قرار گیرد. ... ■ بنظر شما ضرورت کارنوایی دموکراتیک معلمان چیست؟

■ شکی نیست که معلمان نیز مانند دیگر اقشار جامعه برای مبارزه علیه امپریالیسم نیاز به تشکیلات خاص خود دارند. تشکیلاتی که بتواند میان کشنده‌ها و استبداد و پیشانی‌ها مانع شود معلمان زحمتکش باشد. در شرایط کنونی که دشمن اصلی همه مردم زحمتکش مبین ما امپریالیسم آمریکا است و همه یکپارچه در مبارزه با این دشمن در کنار هم قرار گرفته‌اند معلمان هم از طریق تشکیلات دموکراتیک خود با کارگران و زحمتکشان در این مبارزه شرکت می‌کنند.

علاوه بر این وحدت معلمان در مسائل صنفی و رفاهی‌ها این ضرورت را بوجود می‌آورد که در یک تشکیلات دموکراتیک یک گروه می‌توانند بتوانند جدول این نهادها را دموکراتیک بحورت مشکل و یکپارچه به مبارزه برای خواسته‌های صنفی سیاسی خود، به مبارزه بر علیه امپریالیسم ادامه دهند.

■ کانون‌های دموکراتیک معلمان نهادها‌هایی هستند که می‌توانند مبارزات معلمان را در جهت کسب حقوق دموکراتیک و خواسته‌های صنفی و رفاهی‌شان هدایت کنند و مبارزه‌ها را با سایر

اقشار و طبقات خلق علیه امپریالیسم هم‌سو سازند. و این مبارزه‌ها را وسیله‌ای است که اتحاد ملی زنان در زمینه‌های صنفی و حقوق دموکراتیک زنان در پیش روی خود دارند. ■ معلمان زن چه مشکلاتی دارند و در مبارزه‌ها با کانونی چگونه شرکت می‌کنند؟

■ مشکلات معلمان زن همان مشکلات معلمان مرد است از جمله دسترسی نداشتن به امکانات کسب آموزشی لازم در مدرسه و فعالیت نداشتن در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و پرورش، سرکارها داشتن با بخش‌ها می‌تواند که غالباً محیط مدارس را متشنج می‌کند، نداشتن مسکن، حقوق متناسب با هزینه زندگی، و غیره علاوه بر آن زنان معلمان همان مشکلاتی را دارند که زنان در کارخانجات، روستاها و ادارات هم دارند مثل نداشتن مهد کودک، محرومیت از مرخصی‌های لازم قبل و بعد از زایمان که البته این مشکلات برای زنان کارگر در کارخانجات و زنان کشاورز و روستاها به مراتب بیشتر از زنان معلم است. زن زحمتکش روستایی برای کار در مزرعه مجبور است کودکانش را در خانه و کل با انواع میکروب‌ها کند و غالباً چندین فرزند خود را بخاطر نداشتن امکانات لازم برای مراقبت از آنها در موقع انجام کار و همچنین نداشتن امکانات درمانی از دست می‌دهد. این

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، اگر آنان آزاد نباشند، آن جامعه آزاد نیست

رتبه‌ها و سختی‌ها برای زنان معلوم‌شکل دیگری وجود دارد.

ولی زن معلوم‌هجون مرد معلوم‌رحنه‌هاى مختلف آموزشی مانند کلاس، شورا کانون‌هاى دموکراتیک معلمین در جهت پیشبرد مبارزات معلمین و دانش آموزان و بیوندان با مبارزات کارگران و زحمتکشان فعالانه مبارزه میکنند که ما نمونه‌هاى آنرا در قلم و بعداً در قیام‌هاى سینما ما زنان معلوم‌برجسته‌هاى همچون مرضیه احمدی لنگوشی و زهرا روحی آهنگران، فاطمه امینی و..... را بسیار یادآوریم که جان خویش را در گرو آزادی زحمتکشان گذاشتند. بسیاری از زنان معلوم مترقی و آگاه علاوه بر شرکت در مبارزات معلمین در تشکیل‌هاى خاصى از آنها هم شرکت داشته و در پیشبرد مبارزات زنان نیز نقش موثری دارند.

■ بنابراین وضع کنونی آموزش و پرورش چگونه است و آینده آنرا چگونه می‌بینید؟

— فرهنگ ما بکفر فرهنگ استعمارى است و چنین فرهنگى در خدمت کشور سلطه‌گروه مستعمران است. ما با شادودر چنین شرایطى آموزش وسیله‌اى است که کمک آن مى‌توان سیستم‌هاى کثورترا بکاهش داد و بیشتر استعمارگرگانه آموزشى خلاى که ما آن بتوان توان بنیان حاکم‌بر فرهنگ‌هاى طبیعت و جامعه را شناخت و بیکمک آن در تغییرات انقلابى جهان شرکت داد.

آموزش در کشور ما بر این اساس پایه‌ریزی شده و پس از یکسال که از قیام شکوهمند مردم می‌گذرد برخلاف خواست معلمان و دانش‌آموزان هیچگونه تغییرى در وضع آن حاصل نشده است.

کتاب درسى بهمان صورت قبلى باقى مانده

و تنها در بعضى موارد تغییرات سطحى و ناچیزى در آن صورت گرفته درحالی‌که کتابهاى درسى ما باست از بنیاداً بهمیربخند مى‌شوند کتاب‌هاى جدید که بنیاداً ندر خدمت منافع زحمتکشان باشد تهیه مى‌شود. روابط حاکم‌بر وادهاى آموزشی هنوز همان روابط قبلى است و تصمیم‌گیرى‌ها از بالا بدون مشورت معلمین مى‌باشد.

هنوزاً زنگشک معلمین که ما آنها زیربوسه دیکتاتورى سرسپرده‌اند در مبارزات استامپریالیستی - دموکراتیک میهنمان سهم بسزایش داشته و جلودگى مى‌شود هنوز معلمین زندانى، شکنجه و ترور مى‌گردند هنوز جوخه‌فان مبارزین حاکم‌است، هنوز نفیشتن عقاب دوجوید دارد. هنوز از ارتداد کتب علمى - اجتماعى به مدارس جلوگیری می‌شود، هنوز از تشکیل شوراهای واقعی مدارس جلوگیری می‌شود، هنوز امکانات آموزشی جنوب تهر را شمال تهر سر به جوجه‌هاى مقابل می‌بندد و در جنوب شهرها اصولاً از مدارس کم‌آموزشى خبرى نیست، هنوز بعضى از مدارس بصورت سه‌شیفت و چهار شیفت اداره می‌شوند، هنوز آموزش اجبارى و رایگان نشده و فکرى برای ریشه‌کن کردن بیسوادی صورت نگرفته، هنوز آموزش در خدمت منافع زحمتکشان نیست.

هنوز فرزندان روستایان زحمتکشان میهنمان با بدهبى درس خواندن چند کیلومتر به راه دوری کشند تا به مدرسه برسند آنهم مدرسه‌اى که فاقد هر گونه امکانات آموزشی است ولى دانش‌آموزان معلومان که در جریان مبارزات شکوهمند مردم آگاهى کسب کرده‌اند نشان میدهند که چنین وضعى را تحمل نخواهند کرده آنها که در جریان قیام‌ها به

به مهر ۱۵

هر چه گسترده‌تر باد شرکت زنان در شوراهای

کارگری - دهقانی - اداری ...

نقش زنان در تولید ایران



شرکت زنان در تولید و امرهاى مستقل در امر رزقاى نواهد - بر شرفه در تحولات اقتصادى دوران سرما به‌دارى دارد. در دورانهاى مابین سرما به‌دارى علیرغم مسکه‌هاى زنان (البته زنان طبقات زحمتکش، به‌زنان طبقات مرفه‌تر همچون مرفه‌دوکار رزمى پرداخته و انکسار جامعه بودند) از لحاظ رحمت و رنج دست‌کمی ار سرد نداشت. طبقات آسوده‌دندان در زمانه، سخت و بزرگ‌دارى و طبقات غلامه‌میشد، دارای ارزش اجتماعى نبود و حتى کار طاقت‌فرسای زنان روستایى در مزرعه و شالیزارى، پشت‌دارقالبى و دوک‌باز رزمى، زیر لگدمال‌هاى تهیه‌لبنیات شیرین‌بویانست ارزش بیشترى به‌زین موقعیت او در خانه نواهد بسخت‌دو مرفه تمام فعالیت‌هاى سنگین، امرهاى رزق و وابسته به شوهر و بیوه و حتی شمه‌کارش نیز بخودش تعلق ندى گرفت.

اما با بدسرما به‌دارى و صنعت و لزوم استفاده از انرژی کارگران و فزوان کارگران در بدبگیر و وابستگان امکان تولید مستقل بنحوى که قبلاً امکان پذیر نبود - یعنی فرد می‌توانست، صاحب قلمه زایش کوچک، دکان یا کارگاه کوچکى باشد که بتواند معاش خانوادهاى خود را از آن تأمین کند. زنان نیز به میدان تولید اجتماعى گشاده شدند، تا از یکطرف دستمزد کم شوهر خود را بگیرند و از طرف دیگر سرمایه‌داران نیز با استفاده از نیروى کارگران زنان از بالا رفیق نرخ دستمزد مردان جلوگیری کنند.

البته در جامعه سرمایه‌دارى گشاده شدن زنان به میدان اجتماع به‌زنان کارگر محدود نمى‌ماند. زنان اقشار متوسط و مرفه‌تر سرمایه‌دار استفاده از امکانات تحصیل، آموزش و غیره که جا به جا سرمایه‌دارى در دستت‌خواه پیشین در

اختیار زنان بطورکلی قرار ندهد زحمت‌دو خانه به‌جا معه‌وکار اجتماعى گشاده می‌شوند بدین ترتیب درصدا اشتغال زنان در رشته‌هاى مختلف صنعت، خدمات و غیره افزایش مى‌یابد. در ایران نیز در دهه‌هاى اخیر شاهد رشد اشتغال زنان در تولید اجتماعى بوده‌ایم. تحولاتى که در طول این سالها در اقتصاد ایران شکل گرفت، باعث شد کارخانها، صنایع آموزش و فرهنگ، ادارات دولتى و غیره گسترش یابند. البته در ایران بعلت وابستگى صنایع به اقتصاد ما همبلىستى که باعث میشد صنعت زیربنایى و مادرستاد بی‌وجود آید، اکثر صنایع موجود تیرا و تکنیک با لافى روبرودا رسیده و در نتیجه تعداد کارگر کمتری جذب نمى‌شود و هم چنین رتبه‌سازى بخش خدمات و انگلی اقتصاد و عقب‌ماندگى اقتصادى، میزان اشتغال زنان در مردچندان بالایی را، بخصوص در رشته‌هاى صنعتى نشان نمیدهد.

بر اساس آمار نیروى انسانی مرکز آمار در سال ۱۳۵۱ - که متأسفانه از معدود منابع قابل

دسترسى ماست - كل جمعيت زنان با ل... بر
 ۱۴/۲۶۶/۰۰۰ نفر ميشود. چنانكه اين آمار نشان
 ميدهد ۷۴٪ زنان با لاتر از ۶ سال ميخواهند
 از زمان آنها كه جنس با سوادان محسوب ميشوند
 ۷۴٪ بين بگ تا شش ابتدايي دري خوانده اند.
جمعيت فعال زنان: بر اساس محاسبات مركز
 آمار فقط ۵/۲ درصد كل جمعيت زنان (فريب
 ۷۶۷/۰۰۰ نفر) فعال اقتصادي هستند. اكثر
 تعداد طفلان دختر و محطلان مونث را كنان ريگداريم.
 از زمان زنان كه از سيني طفوليت گذشته و محصل



نميروند. ۹۰ درصد خانه دارمي باشند و تنها
 ۱۵ درصد فعاليت اقتصادي دارند. يعني ۵۰ درصد
 زنان با تعلقي دارند يا در بي بدست آوردن آن
 هستند.

زنان شاغل: طبق اين آمار تعداد زنان شاغل
 ۷۵۵/۱۳۸ نفر است. براي آنكه به ميزان مشاركت
 زنان در امورا اقتصادي دست يابيم. نسبت زنان
 شاغل را به كل شاغلين ايران در نظر ميگيريم.
 زنان تنها ۹/۸ درصد شاغلين كشور را تشكيل
 ميدهند. البته اين رقم منتهي زناني است كه
 از نظر اقتصادي فعال بوده ولي جزء شاغلين
 محسوب نشده اند. در اينجا به طور بع زنان شاغل

مگيرد بخش خصوصي هستند.

زنان در صنعت

اين آمار بالاترين درصد زنان شاغل را در
 صنعت نشان ميدهد. يعني از كل زنان شاغل
 ۶۴/۷ درصد آنها در مشاغل صنعتي جاي ميگيرند.
 بايد توجه داشت كه در اينجا صنعت به مفهوم آم
 مورد نظر بوده و اين ترتيب صنايع قديمي
 كه زنان بخوار در آن نقش فعال و عمده ايجاد
 ميروند مشاغل صنعتي محسوب شده است. ارقام
 بخوبي نشان ميدهد كه زنان درجه بخش هايي از
 فعاليت هاي صنعتي شركت دارند. با توجه به
 اينكه طبق اين آمار ۷۴٪ زناني كه ميخواه
 صنعت به حساب آمده اند در مشاغل روستايي زندگي
 مي كنند.

و با توجه به اين واقعيت كه ۹۲٪ زنان شاغل
 صنعتي در كارخانه ها هستند نقش و اهميت
 مشاغل روستايي چون گلپي و قالي... در
 كل فعاليت هاي اقتصادي زنان روشن ميشود.
 به عبارتي دقيق تر مي توانيم بگوئيم كه از كل زنان
 شاغل ايران ۴۴/۸ درصد آنها تنها به توليد
 مشاغل روستايي مي پردازند و جالب توجه است
 كه زنان نيروي عمده كارگري را در صنايع نساجي
 تشكيل ميدهند. از كل كاركناني كه در اين بخش
 از صنعت كارمي كنند قريبا ۲۲/۵ درصد آنها زنان
 هستند.

بخشي ديگر صنعت كه پس از مشاغل و لي با
 فاصله زيادي نسبت به آن زنان را به كار گرفته
 است به ترتيب صنايع كفش و لباس با ۴/۴ درصد و
 صنايع غذايي با ۱/۲ درصد زنان شاغل مي باشد.

زنان در خدمات

مشاغلتي كه در اينجا بر رهنمون خدمات مطرح
 ميشوند تنها شامل مشاغلتي هستند كه در آمار
 سال ۵۱ زيرونا و بين خدمات دولتي. بازرگاني
 و... قرار داشته اند ولي كه ما مشاغل مربوط به
 آب. برق. گاز. بانك. بيمه. حمل و نقل و
 اسختمان را نيز به آنها اضاافه کرده ايم. حدود
 ۲۴٪ كل زنان شاغل در اين بخش مشغول به كار
 هستند. ۵۰/۸ درصد زنان شاغل در خدمات در
 اسختمان دولتي قرار دارند كه اكثريت آنان مشمول
 قانون اسختمان كشوري مي باشد. از ميان
 زناني كه در اسختمان دولتي قرار دارند و در
 وزارتخانه ها و ادارات مختلف مشغول به كار
 هستند رقم بسيار زيادي (حدود ۷۶ درصد) در وزارت
 آموزش و پرورش مي باشد. به اين ترتيب
 زنان معلم گروه بسيار روسيعي از كارمندان زن
 دولت را تشكيل ميدهند. در مشاغل دولتي در
 وزارتخانه هاي ديگر به ترتيب ۲۷ درصد
 بهداشتي ۴/۷ درصد آموزش عالي و ۲۳ درصد
 و دارايي و...

بايد اضاافه كنيم كه خدمتكاران منازل نيز
 كه بخش زيادي از زنان شاغل در آن قرار دارند
 در خدمات شخصي به حساب آمده است. خدمات
 شخصي ۸/۸ درصد كل زنان شاغل ايران را در بر
 ميگيرد.

زنان مزد و حقوق بگير

بايد توجه داشت كه از ۷۵۵/۲۳۵ نفر زناني كه
 شاغل اند تنها ۴۰/۵ درصد آنها مزد و حقوق بگير
 مي باشند. اين بدان علت است كه بخش وسيعي
 از زنان در كارگاههاي مستقل و يا متعلق به

**((پيروز بان مبارزات دوش بدوش زنان
 و مردان كارگر))**

۱۴ سالگی قرارداد اردبیل بدو توجه داشت که در اینجا فقط شاعریان مورد نظر هستند. فعلا این اقتصاد، در فیرا استعمورت رفتم با رانسانرا از اینها میسود. و این در شرایطی است که کار افراد کمتر از ۱۳ سال طبق قانون کار ممنوع اعلام شده بود. تنها در بخش خدمات است که گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله ارجح اشتغال قابل ملاحظه ای برخوردار است. در رابطه با سابقه کار و فعالیت اقتصادی



آما رشتان میدهد که تقریباً نیمی از زنان کمتر از ۴۰ سال سابقه کار دارند. بیش از ۴۳ درصد آنان بین ۵ تا ۹ سال و بنحیبه ۵۵٪ تا ۳۰ سال سابقه کار. برآگنده اند این ارقام نشان میدهد که نیروی کار زنان از نظر سابقه کار تا چه حد جوان و کم تجربه است. البته آما مه کنیم که زنان روستایی نسبت به زنان شهری سابقه کار طولانی تری دارند.

ارفا ما لاما هیت بی نهایت محدود و محافظه کار تحولات جدید اقتصادی ایران را در امر میگذاردن زنان به صحنه اجتماع و اورونولیدی نشان میدهد. این واقعیت که عمده زنان فعال اقتصادی ما در روستا هاندگی میکنند نشان میدهد آست که روابط توبینی که شهرها مرکز اصلی

ما بوده و شهر خود کار می کنند. تنها در بخش خدمات است که ۹۹٪ زنان شاغل مزد و حقوق بگیر می باشند. در حالی که در صنعت و کشاورزی زنان عمدتاً دروا جدا های کوچک نسبی - مزارع کوچک با کارگاهها - کاری کنند (در صنعت ۲۲ درصد زنان شاغل مزد و حقوق بگیر هستند. دوا ریاد آوری می کنیم که این رقم اندک با دآورتقتش زنان را فلما با وگلسیا فروستا بی در صنعت است که به در مقابل دستمزد و حقوق بلکه برای ناخواسته خود کار می کنند. بحرا بی بخشی از زنان از میان آنها بی که مزد بگیر محسوب میشوند دستمزد زنان کارگر کشاورزی ۵۳٪ دستمزد کارگران مرد در این بخش می باشد (آما رسال ۱۳۵۱)

در بخش صنعت تنها دستمزد آن عده از زنان بی که در کارگاهها بی بزرگ دولتی یا خصوصی - ما بیست از ۱۰ کارگر - کاری کنند. از آنجا که این زنان با کارها مشغول فاسون کاری شوند. کم و بیش با دستمزد مردان برابری می کند. ما میدانیم که نسبت به سایر زنان شاغل صنعتی در کارگاهها بی بزرگ با مشغولند. این حقیقت را در مدنای زنان روستایی که به کار صنعتی می پردا بدست به زنان شاغل صنعتی که در شهر زندگی می کنند (حدود ۷۳ درصد) نشان می دهد. تازه ما بدو توجه داشت که در شهرها کارگاههای کوچک و معقر و فراهانند که در امتداد جری سراسری تا مین هزینه های یک خانواد را فراهم میکنند.

بن و سابقه کار

چنانکه ما رسال ۴۵ نشان میدهد تقریباً نیمی از زنان شاغل کشاورز دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله تشکیل میدهند. این ترتیب با لاترین سطح اشتغال در این گروه سنی از زنان فراراد. این آما رشتان میدهد که با افزایش سن اشتغال در سطح کلی پایین میآید. آما رسال ۱۳۵۱ دال بر آست که حدود ۲۰ درصد زنان شاغل در سنین کمتر

رشد آنان بوده. توانایی جذب نیروی وسیع زنان را حتی در عود این مناطق نداشته است. اقتصاد عقب افتاده ما معما برای زنان تنها در بخش خدمات و بوروکراسی دستگاه دولتی که رشد بسیار آردن نشان زوال و بیوسدی نظام موجود است. فرصتهای شغلی فراهم کرده است با بد نظر داشت که اینگونه مثال اگرچه زنان را به اجتماع می کشاند اما به دلیل غیرتولیدی بودن، ماهیت چندان سازنده و غلطی ندارد. مثلاً رکت زنان در کشاورزی نمرا مردان تازه ای نیست و چنانکه بدیم نموان فریتمنده بخش صنعتی مرکز ما در واقع عمدتاً نیروی کار زنان در صنایع سنتی روستایی را در بر میگیرد اما مطالعه فعلی نشان میدهد که زنان را در صنایع روستایی به فرصتی دیگر و کار می کنیم.

در بیان ارقام مربوط به اشتغال زنان در ایران ما ارقامی که در این رابطه از کشورهای دیگر در دست است مقایسه می کنیم تنها با این نکته احتیاط می کنیم که این مقایسه تنها و نهایی زیادی را در انگلی اشتغال زنان در ایران و جهان نشان می دهد.

خدمات کشاورزی - صنعت

ایران	۲۴٪	۱۱٪	۴۵٪	با احتساب
امریکا	۷۴/۳	۱/۵	۲۲/۵	صنایع
شوروی	۲۵/۹	۲۲/۹	۲۱/۲	روستایی

۱ - در اینجا ضروری است که اصطلاحات مورد استفاده مرکز ما را تا حدی توضیح دهیم: فعال اقتصادی به کسی گفته میشود که با شغلی دارد و در حد درستی با فنش شغلی است. (حدود ۷۷۷/۰۰۰ نفر از زنان) شاغل کسی را در بر میگیرد که به منظور کسب درآمد حداقل ۸ ساعت به کار اشتغال داشته باشد. (حدود ۷۵۵/۰۰۰ نفر) بخشی از زنان شاغل، مزد و حقوق بگیر هستند (۳۶۶/۰۰۰ نفر) و بنحیبه ۷۰٪ کارکنان مستقل به حساب می آیند (تقریب ۴۲۹/۰۰۰ نفر).

دنباله گفتگوی یک معلم مازان

نیروی جمع، خود بی، برده اند به همه کس ما که این شیردرا ما وردند و رشتان خواهند داد که آموزش و پرورش انقلابی ما جزا رکت آنها برای درهم کوبیدن نظام فرهنگ استعماری و ایجاد فرهنگی انقلابی امکان پذیر نیست.

نظران در مورد نشر به زنان در مازان رزه چیست؟ خوشحالم که گروهی از زنان آگاه کشور ما به نقش زنان در جنبش غذا میریای لیستی - دموکراتیک مردم بی برده و در جهت شکل و ارتقا مبارزات آنها می کوشند ولی بنظر ما این نشر به آنطور که انتظار مردم در پیوند "اتحاد ملی زنان" با زنان زحمتکش ما معما نقش خود را ایفا نمیکند. مثلاً ما نمونه های زنده و عینی از وضعیت زندگی و خواسته های زنان زحمتکش در کجا بجا روستاها و در ادارات و مدارس و در نقاط دور افتاده کشور در این نشر به کمتر بر می خوریم. این مجله با بسد زندگی زنان زحمتکش را که در تالیفات بسیار کار میکنند و روحی را که متحمل میشوند نشان دهد تا با فروش آن تکمیل به ما را بسازد. در حالی که بر روی دربانی نفت که مال اوست نشسته. مجله ما با زندگی طاقت فرمای زنان زحمتکش را نشان دهد و روشهای ستمی را که در دنیا با سرمایه داری بر زنان زحمتکش میروند برای مردم روشن کند. البته مسلمانان آگاه و مومنانی که این مهم را بر عهده دارند و روز بروز تجربیات بیشتری کسب می کنند که در ارتقا محتوای نشر به اثر می گذارد.

۲ - ارقام و کشور آمریکا و شوروی از ما ر

دقت در بین المللی کار را استخراج شده است

مبارزه با بیکاری مبارزه عملی با سلطه امپریالیسم

روزهای آخر سال گذشته و روزهای اول سال نو را با خبرهای مربوط به مبارزات پیگیر بیکاران در نقاط مختلف کشور، گلوله باران آنها توسط نیروهای انتظامی و نادیده گرفتن و انکار مسئله بیکاری از جانب حکومت، سپری کردیم.

در ۲۵ اسفند ماه گذشته "کانون مستقل بیکاران" اندکسنگ بیکاران را به راه پیمایی به طرف



را تعطیل کردند.

در تهران سیرا هییمائی و تخمین کارگران بیکار را دامه می یابد و روز ارت کاروا موراحتمائی که دیگر نمیتوانند نما می این اعتراضات را ندیده بگیرند، بالاخره اعلامیه ای را در روزنامه هفتاب چاپ می نمایند. در این اعلامیه کارگران و دبیلیمه های بیکار "گروهی فرصت طلب و عمارضد انقلاب" خوانده میشوند که قصد دارند "دمت به تحریکات مدنی زده و با استفاده از مشکل بیکاری در بین کارگران و جوانان بیکار را نفوذیافته و به مسووم ساختن افکار معده درجهت نیل به مقاصد عوام فریبانه خود مشغول شوند." و "وزارت کار در این اعلامیه بطور ضمنی مشکل بیکاری را

می پذیرد ولی رما ز سرعلیه بیکاری را نوعی توطئه دانسته و مثل همیشه کارگران و دبیلیمه های بیکار را به اجرای "طرحهای تضامنی اشتغال" و مده مدهد.

آیا بارسی دولت هنوز هم تنها بوقت مشق منظورییاد کردن طرحهای رنگارنگ مربوط به حل مسئله بیکاری تنها زدارد؟ آیا مسئله بیکاری درجا معمه ما چرا وجود دارد و راه حل های واقعی آن کدامند؟ چرا "طرح تضامنی اشتغال" و انواع دیگر سوسا معه های که دولت وعده اشتغال داده، نمیتوانند مشکل بیکاری را حل کنند؟

اطلاعمه وزارت کار میگوید: "مشکل بیکاری با زمانده سیاست اشتغالی نظامی گذشته است." اما این مشکل در رژیم گذشته چگونه بوجود آمد؟ و حکومت جمهوری اسلامی چگونه سعی کرده است آنرا از زمین ببرد؟ در اینجا این سؤال مطرح است که آیا این آنبوه مطمح بیکاران در گذشته چه تغیلی داشتند که پس از سرنگونی رژیم شاه آنرا از دست دادند؟ بخش بزرگی از بیکاران درجا معمه فعلی ما را کارگران بیکار تشکیل میدهند.

اینها معدنا کارگران ساختمانی هستند که با تبدیل پروژه های ساختمانی از کار بسا دارندند و بخش دیگری از آنها کارگران اخراجی صنایع وابسته میمانند که سرما به داران آنها پس از سرنگونی رژیم، راههای چیا ول و عمارت را بیخود بسته دیند و سرما به ها را با ارتکوز گریختند و با درگرفته ای سپان نشدند. اما بخش ساختمانی که به مده در دست مدهکفت نفت می توانست نیروی زباید را به اشتغال در آورد، پس از سرنگونی رژیم عملیاتی توانست چون گذشته به قای خود ادا مدهد. به این ترتیب کارگرانی که گذشته به خاطر بیست آوردن لغماتنی، زمین بی برکت روستا را رها کرده و به شهرها روانه شده بودند، بنا به منظور گسترش شهرها و ساختن تاسیسات فول پیکر مورد استفاده قرار گرفتند. پس از این بصورت نیروی بی مصرفی در آسند که در شهرها تاسیسات

شده اند. اما پس از انقلاب گروه جدیدی به خیل بیکاران پیوستند. این گروه دبیلیمه هواسا لیماسه های بودند که در گذشته در بخش خدمات وزارتخانه ها و ادارات به خدمت گرفته میشدند. تومری که در دستگا های دولتی از نظر نیروی انسانی بوجود آمده بودند به درج رنگ مربوط به حل مسئله بیکاری تنها زدارد؟ آیا مسئله بیکاری درجا معمه ما چرا وجود دارد و راه حل های واقعی آن کدامند؟ چرا "طرح تضامنی اشتغال" و انواع دیگر سوسا معه های که دولت وعده اشتغال داده، نمیتوانند مشکل بیکاری را حل کنند؟

اطلاعمه وزارت کار میگوید: "مشکل بیکاری با زمانده سیاست اشتغالی نظامی گذشته است." اما این مشکل در رژیم گذشته چگونه بوجود آمد؟ و حکومت جمهوری اسلامی چگونه سعی کرده است آنرا از زمین ببرد؟ در اینجا این سؤال مطرح است که آیا این آنبوه مطمح بیکاران در گذشته چه تغیلی داشتند که پس از سرنگونی رژیم شاه آنرا از دست دادند؟ بخش بزرگی از بیکاران درجا معمه فعلی ما را کارگران بیکار تشکیل میدهند.

اینها معدنا کارگران ساختمانی هستند که با تبدیل پروژه های ساختمانی از کار بسا دارندند و بخش دیگری از آنها کارگران اخراجی صنایع وابسته میمانند که سرما به داران آنها پس از سرنگونی رژیم، راههای چیا ول و عمارت را بیخود بسته دیند و سرما به ها را با ارتکوز گریختند و با درگرفته ای سپان نشدند. اما بخش ساختمانی که به مده در دست مدهکفت نفت می توانست نیروی زباید را به اشتغال در آورد، پس از سرنگونی رژیم عملیاتی توانست چون گذشته به قای خود ادا مدهد. به این ترتیب کارگرانی که گذشته به خاطر بیست آوردن لغماتنی، زمین بی برکت روستا را رها کرده و به شهرها روانه شده بودند، بنا به منظور گسترش شهرها و ساختن تاسیسات فول پیکر مورد استفاده قرار گرفتند. پس از این بصورت نیروی بی مصرفی در آسند که در شهرها تاسیسات

اما دولت جمهوری اسلامی با این منسکلات چگونه روبروشد؟ درحالیکه روبرو بر سر معضله بیکاران افزوده میشد، سرما معه دولت موکرت در زمینه اقتصاد آن بود که روابط اقتصادی به غیر اقتصاد را احیا کند و با دادن وامهای کلان به سرما به داران و مبارزگردان آنها بحران های را که رژیم گذشته زحل آنها عا جز بدترسیم بنا مد چون راه طلی برای مشکل بیکاری می داشت از برور سر خورد صریح با این مسئله طفره رفته و برای

باید همه جا قرین شود، زن با مرد بیکار در این جهان نماند یک فرد انسان که به هر کسی بگوئی بیکار دعوای شرف کند، بگیرد از درد. "ابوالقاسم لاهوتی"

بی اهمیت جلوه دادن آن، تعداد دیگاران را بسیار کمتر از رقم واقعی تعداد می کند. در این شرایط راهی برای سبک زان نمانده بود چرا که بهر شکل که شده به گذران زندگی و مبارزه برای یافتن کار دست یابند. تعدادی از سبک زان با استفاده از کلاه سفید و لباسهای سفید دستفروشی در خیابانهای شهر پیدا شدند و در طول خیابان های جمهوری، معوق، اطراف میدان انقلاب، نظام آباد و غیره به فروش کالاهای مختلف مشغول شدند. در میان دستفروشان افراد مختلفی را می بینیم: کارگران اخراج شده از کارگاه های صنعتی و ساختمانی، پیشه وران ورشکسته، دیپلمه ها و فارغ التحصیلان و کثرت و زانان مهاجرین... در خانها این معوق کارگر چون کسی را می بینم که پس از اخراج از کارخانه مجبور به دستفروشی شده است. در نظام آباد ده دوزن برمی خوریم که تکه پاره های پارچه را در کیک ریخته می فروزند کسی از آن ها میگوید که مدت زیادی به این کار اشتغال داشته و زندگی بچه ها پیش را از این طریق تا همین می کند. مشاغل دستفروشی که فالسها در میدان کندی را بروجو می آورند، دائمی نبوده و از این بروجو و انواع دیگر کاری پنهان را نشان میدهد.

در این مدت سبک زان نیز بیگانه رنشته اند مدت ها خانه کارگر مانی بود که کارگران سبک زان در آنجا گرد آمده برای حل مشکل خود چاره جویی میکردند که اغلب هم حرکت اعتراضی مسئولین مواجه شده اند. در این میان گروه های سبک زان ارفقیل دیپلمه ها و فارغ التحصیلان که ما ما مدتی پیشتری برای شکل دادند که سبک زان را تشکیل دادند. بعدها "کانون سبک زان" ارتشکل کارگران، دیپلمه ها و لیسنا نسبه های سبک زان بروجو و دیگر اعتراضات سبک زان را زمان داده و با دیدی روشن، سرما به داری و امیدالیم را ملت سبک زان و مبارزه علیه امپریالیسم را علاج مشکل خود می دانند و خواهان آنست که کلیه



روابط جامعه با امپریالیسم قطع شده. نظام اقتصادی مستقلی برای آن ها کم نبود کارگران و مضمحلان ایرانی برای جامعه ای که معیار کار فرما خوانده شود، کانون سبک زان حسی در اردیبهشت ماه (۱۳۵۸) بنا را نه طرحی اعلام کرد که سبک زان حاضر در هر نقطه ایران همه بدون حقوق کار کنند. ولی این طرح مورد موافقت قرار نگرفت.

بی توجهی به خواسته های سبک زان منجر به نظارات، تحسین ها و اختیارات متعددی شد. در این زمان دولت درصدد استوار و امپیکالیسمی کارگران برآمد. مبلغ و اما توجه به هزینه زندگی بسیار ناچیز بود (۷۵۰ تا ۱۲۰۰ تومان) و فقط به کسانی که دفترچه بیمه داشتند داده میشد. به علت اعتراض سبک زان شرط داشتن دفترچه بیمه برداشته شد. در نتیجه ادما اعتراضات دولت سالانه دردی ما مطرح اشتغال بسبب کار سبک زان را راه داد. ما این طرح دولت میخواهیم سبک زان را که تعداد آن را به سبک زان تا یک میلیون نفر می داند (طبق آمار کانون سبک زان حدود ۲/۵ میلیون نفر سبک زان هستند) با خردا دیده ضد کارهای عمرانی و تولیدی در بخش عمومی کند.

این طرح بر اساس تعاون های متشکل از ۳

بفهرده صفحه ۲۸

زن کارکن و مادر

الکساندرا کولونای

ما شکای زن مدرک کارخانه

ما شکای زن مدرک کارخانه است. او در انتظار نولد سوزای است. گرچه در خانه مدرک کارخانه همگی نگران هستند، با اینحال یک فضای نا در آنجا حکم است. جای شجب نیست، زیرا ما شکای میخواهد او را برای شورش بسازد. کسی که مدرک کارخانه به سواد نشود و در آن برای او با رت بگذارد. ثروتی که با دستهای زنان و مردان کارکن ایجاد شده است. دکتر دستگیر داده است که از ما شکای با دقت مراقبت کند. نگذارید بخت شود. نگذارید بجز سبک زان بگذارد. بگذارد هر چه میلتن می کشد بخورد. میوه؟ با میوه بدهید. و با برآیند با ریا آماده کنید.

هم نیست که ما شکای با بد زهی چیست احساس نگرانی با نا را حتی کند. در این صورت نورا دقوی و سالم بدینا می آید. زایمان آسان خواهد بود و ما شکای با خود را حفظ خواهد کرد. اینست نحوه گفتگوها در خانه مدرک کارخانه. در خانه ما هاسی که کشتها پرا زلا و پوزل است. اینست نحوه رفتار ما مادری که در انتظار نورا است. از خانم ما شکای بخوبی مراقبت میکنند. ما شکای احوالت را چنانکه سنی نکی مثل را با خانم کشتی. اینست آنچه که به خانم ما شکای میگویند.

حمله گری و دوروشی بورژوازی مدعی است که زن خانه برای بورژوازی محترم است. ولی آیا در واقع حقیقتا اینطور است؟

ما شکای از خوشی

درمان خانه همسر مدرک کارخانه، ولی در قسمت عقب، در یک گوشه و در پشت یک پرده چیت، یک ما شکای دیگر میبویند. او خوشی میکند. و کارهای خانه را انجام میدهد. ما شکای هست ما هه ما مله است. ولی اگر کسی با وی بگوید که "ما شکای، توبیاید چیزهای سنگین حمل کنی. با دموا طب خودت باشی، بخاطر خودت. بخاطر بچه و بخاطر اسامیت. تود را نظارت نورا دی هستی و این ساق منعی است که موقعیت تود را نظارت جامعه محترم است." چنانچه از شجب کشا می شود. ما شکای اینرا با یک دالالت بجا و با یک شوخی سیرجانه تلفی خواهد کرد. شما در کار با یک بلبله کارگزار دیده اید که بخاطر ملکی با او نظارت خصوصی رفتار شود؟ ما شکای با دموا هزاران دیگران طبقات فاقد مالکیت، در حالیکه مردان سبک زان صاحب کاران وقتی زنی را در حال احتیاج نیستند بچگونه رحیمی سارند. مجبورند که بروی کار خود را بفرستند، و هیچ تاره دیگری هم ندانند. هر قدر هم که خسته و کوفته باشند ولی با مدرک زان سروند.

"یک زن خانه ما لائرا ره چیز باشد، حیوات راحت، غذای خوب، لباسهای شسته و خشوده، فشار بدنی زیاد نیستند مانند، اینست آن چه که دکتر میگوید. "مادری زخمتوی و زدها و هزاران زن کارگر، این سردگان سرما به، سرویس می دهند. حداقل فعالیت بدنی؟ هوای تازه؟ غذای سالم؟ اینهم بقدر کافی؟ خواب راحت؟ زن کارکن از این مواهب چه میداند؟ اینها فقط برای خانم ما شکای است و برای همسران ما محسبان

کا رخانه .

صحرود، قبل از سیدیه محرومها میگه خانم ما تنگای هنوز در خواب بپریم است . ما تنگای رخنشوی از تنگای با ریختن بلند میشود و سینه رخنشوی خانه تاریک و تنگ میبرد . سوی سید ملافه های چرک از او استقبال میکند . لغزان لغزان روی زمین خیس راه میبرد ، چاله آب چرک دبیروز هوزر خنک نشده است . اینکه ما تا در رخنشوی خانه

بسیگاری کشیده میشود راه داده آرا داد و نیست ، او اوسوله کا فرمای خستگی تا بیزنی - احتیاج - با بسور آمده میشود . شوهر ما تنگای کا رگراست . دستمزد او آنقدر نا چیز است که دو نفر نمیتوانند آن زنده بمانند . و ما نیز این او در سکوت در حالیکه دندانهایش را بهم میقتارند . در کنا رشت رخت تا آخرین روز ممکن . درست تا هنگام وضع حمل میباشند . نهاده کشید ، مگر کشید ما را رخنشوی ، آنطور که خانها ، هنگام محبت کردن از زنان کا رگرس

دوست دارند میگویند ، از یک تلاشی آنهاست سرخوردن راست . باهای ما تا از شدت ایستادن بر سرشت رخت برای چنان مدتی طولانی ، سنگین است و رگهای آن ورم کرده است . او فقط با سنگی و با اشکال میتوانند راه ببرند . زیر چشما پیشکود رفته ، دستهایش ورم کرده و برای مدتی طولانی هیچ خواب راحتی نداشته است . سدهای ملافه های خیس ما لاما آنقدر سنگین هستند که ما تا برای اینکه سینه افتد با سینه دیوار تکیه کند . سرش گیج میبرد و همه چیز لوس چشم سیاه میشود . اغلب احساس میکند که چیزی مثل یک دندان پوسیده در هر چه پیشش جای دارد . و مثل اینست که زدن سنگینی باهایش از سرب ساخته شده است . اگر میتوانست فقط برای یک ساعت دراز کشد قدری استراحت کند ولی زن کا رگن اجازه آنکا را ندارند . اینسان را زور دیگری با برای آنها نیست . چون نا افره آنها خانم نیستند . ما تا در سکوت مشغولات



نداشت که برود . چه کسی اینطور دخترتری را در یک خانه آبرومند استخدام میکند . ما تا ، بدون کار ، بدون نان ، بدون کمک ، سرگردان است . از رودخانه ای میگذرد . با موج نگاه میکنند و پشتش میبرد . رودخانه سرد و تاریک او را بوحشت میانمیزد ، ولی در همین حال بنظر میرسد که او را بخود میخواند .

ما تا کا رگرسگز

بخش رنگبری کا رخانه طلوع است . سنگ زن کا رگرا که مثل مرده میماند سبزه سبزه میماند . چه اتفاقی برای این افتاده ؟ آیا دیگر نمیتوانسته کا زهای محیط را تحمل کند ؟ آیا از بخر و مسموم شده ؟ او که تا زهوا در نیست . مدت زیادی است که او مسموم کا رخانه مات گسره است .

دکتر میگوید "چیز مهمی نیست ، مگر میسند ؟ او حامله است . خیلی محتمل است که زن حامله هر روز رفنا رجیمی داشته باشد . هیچ لازم نیست اهمیت داد ."

ما بین ترتیب آنها زن را بر سر کا فرستادند . او را زکا رگا مثل مستی افغان و خیران سرجایش برگشت . باهایش ورم کرده اند و کوفی در اختیار او نمیستند ، شوخی نیست ، ده ساعت کار در روز ، روزهای بی درزی ، در میان سوی بدو مسموم ، بجا روکا زهای مضر . و برای او در کار رگن حتی وقتی این ده ساعت تمام میشود ، استراحتی وجود ندارد . در خانه ، مادر کو رو پیش نظر شام است ، و شوهرش خسته و گرسنه از کا رخانه بر میگردد . او باید همه آنها غذا بدهد و مراقت همه آنها باشد . او اولین کسی است که صبح ها از خواب بر میخیزد . او را سحر سب است . و آخرین کسی است که میخوابد . و تازه بعد از همه آنها

طافت فریادش را تحمل میکند . شبها زنان "محترم" آن مادران حامله های هستند که توسط آن کا فرمای بمرح - احتیاج - بکا رگرسیده نمیشود .

ما تا ای مستخدم

خانم ما تنگای یک مستخدم دیگر احتیاج دارد . خانم و آقا زده دخترچه ای را میآوردند . خانم ما تنگای ، طنین خنده دخترک و موی بافتنش را که تا زیر آونایش میرسد ، و نحوه اینکه دخترک مثل برنده هایدرا طرفا خانه سنگیال میگردد و سعی میکند که همه را راضی کند ، دوست دارد . دخترک جوهر است . آنها سه روئل در ما به ما میگرداند و او را که سه نفر را انجام میدهد . خانم لیسریا ز تعریف و تمجید است .

سپس مدیر کا رخانه شروع به خیره شدن دخترک میکند . توجه اش بیشتر و بیشتر میشود . دخترک خطراتی نمیبند ، بی تجربه است و ما ده لاسوج ، آقا خیلی سیربان و ما محبت میشود . دکتر سربا و گفته که هنوز گونه تقاضای او را نشان داده باشد . دکتر میگوید سکوت بهترین داروست . مدیر کا رخانه میخواهد بگذارد که ریش در آرایش وضع حمل کند ، ولی تا آنجا که او خودش نیاید رنج ببرد . دخترک مستخدم هم ما تا نام دارد . همه چیز میتوانست براحتی چورشود ، دخترک با دان است . احساسی است . مشکل نیست او را ترسانند . او از ترسش همه کا میتواند بکشد . و ما بین ترتیب ما حامله شد . او دیگر نمیخندد و فرسوده بنظر میرسد . در دلش نگرانی روز و شب بیشتر میشد .

خانم ما تا چوپان را فهمید . او احتمال سربا کرد . بعد دخترک ۲۴ ساعت برای جمع کردن اثاثه اش مهلت داده شد . ما تا در خیابانها سرگردان شد . او هیچ دوستی نداشت ، هیچ جایی

مهد کودک و شیر خوار گاه در جوار کارخانه ایجاد باید گردد .

روز ۱۸ اسفند معنای سبب روز بین المللی زن
مراستی از جانب اتحاد ملی زنان در شهرهای
اصفهان، اهواز، مشهد و چند شهرستان گیلان
برگزار شد. شعر و پیراژان یکی از شرکت کنندگان
در مراسم روز جهانی زن در مشهد خوانده شد.

خواهرقا لبیا فم

چه کسی سالهاست عمرش را در لای تار و پودتالی
دفن می کند؟

چه کسی رنجور به چنگال بیمار بست ؟

چه کسی سرفاتش همواره خالیست ؟

آری تو

توبا دستهای پرهیزی رفعت

توبا شکم خالی بر بنیازت

توبا چشمهای کم نور تیز بینت

با بد که برخیزی

کیوی راست کنی

در پشت دارقالی

در کمین نشنگان را ببینی

غارتگران دست زحمت را بشناسی

دزدان عمرت را بکوبی

خفت را از چنگالشان بستان

خواهرقا لبیا فم

کودگان تن در خانه بی توجه می کنند؟

چه کسی آرنج لاغر دخترت را از بوسیدگی آستین

بدر آورده ؟

چه کسی زانوی نحیف پیرت را از زپا رگی تلوار

عریان کرده

چه کسی بجای پستان بر شیرت

شیشه قند آغ بدهان جگر گوشه ات نهاده ؟

آری او

اوبا شکم گنده سیرش

اوبا چشمهای شفاف تنگ بینش

اوبا خانه قشنگ پرخرجش

اوبا سفره بزرگ رنگینش

اوبا رفا ه زندگی نشکینش

دنباله دونویس ...

زنانی را که بدلیل کامل معلوم اقتصادی و اجتماعی
به ازدواج منقطع (سبغه) این درمیدهند و روشن
نمایند که اینان همسرقان نوسی مردم محسوب
نمیشوند تا احمایات قوانین برخوردار نباشند.
شاید این خود سرآغازی باشد بر سرچیده شدن این
سنت مذهبی تا خواستند که عملاجرید و قیوت جسم را
معنوان راه آنان تا من معاش به زنان رنج دیده
ایران عرضه می کند اما آنان را از هر نوع حمایت
قانونی و کمک رفاهی جامعه محروم میسازد.

حال که بساط ستمهای بدست توانستای
زحمتکش و کارگران ایران برای همیشه از این
سرزمین سرچیده شده است. خویست مقامات مسئول
جمهوری اسلامی بجای رونویسی قوانین
آزاد مهوری و بازسازی نظام گذشته در تمامی ابعاد
آن و تنظیم و تدوین قوانین کارگری در اطرافهای
دریسته، اجازه دهند خود کارگران که سبتر از هر
کس دیگری نقاشی و سازشهای قوانین گذشته
کاروان من اجتماعی آگاهی دارند. به نوشتن
این قوانین که مستقیماً با زندگی و کار آنان
ارتباط می باشد بپردازند. ♦

دنباله عبد ...

۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران ایران
و سراسر جهان، روز بیمانی کارگران و زحمتکشان
با آزادگان و آزادیخواهان ایران علیهم
امیربا لبسم جهانی، وابستگان آن و سازندگان آن،
بر زحمتکشان ایران فرخنده باد. ♦

پشت دارقالی کمین کرده
تا دست زحمت را

به آرزو تشرین قیمت از تو بدزد

و به گروا تشرین سپا بفروشد

خواهرقا لبیا فم

لختی دست نگهدار

برخی زحمت را از حلقوم سرما به دار و بدر آور

دست در دست دیگر زحمتکش بگذار

دستهایت بیرونان خواهند

برخی زحمت را مل تباهی عمرت را بستان

رخسوبات راحت و سفره رنگین

مال توست که به چپا ول رفته

برخی ز دستهای تونای توست

زانوی سرما به داری رفعت را می مکد

سرما به دار رفعتخواور

سرخ را از زلب کودگان تن می قاید

در باب ظلم حقت را به چپا ول میبرد

چه نشسته ای

حق را با بد گرفت

هیچکس حقت را بتوبا زپس نخواهد داد

برخی زوشو و برظالم

"با نصب ویا قیمت"

آفریده سرما به دار بیت

بدبختی رنگ جسم نیست که ما در زانوی دبا شد

برخی ز

این قسمت تا عادلانه را بتوبا بدبختی برهم

تو که کار میکنی

تو که میا قریبیتی بقتی قشنگ قالی

برخی زوشو و نقش بی قواره ستگری را بریز برهم

دستهای تونای توست

برخی زوشو و برظالم

برخی ز

۵۷/۱۲/۱۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

اجرای سنتهای نوروزی در کوی ۱۳ آبان

جوانان و ورزشکاران کوی سیزده آبان نیز چنانچه شورایی را سازماندهند و برپا کنند. آن زن شاه و کارگران نیز جشن گرفتند. جوانان محل یک مجسمه کارشود و مجسمه شاه را با برپا کردن درون و انشای گداشته و در محل می چرخیدند و با شعار: "اتحاد، اتحاد، علییه امیرالایم" مردم را دعوت به سوراندن برپا آمریکا میکردند.

مردم محل در ساعت ۷/۵ در زمین ورزش گرد آمدند و در میان شعار مرگ بر آمریکا و ول برچم این کشور را آتش زده و در حالیکه شعله وریودیده دور زمین می چرخیدند. سپس در میان شکرگاز "شما زش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا" با برچم هنوز شعله وریودیده های شاه و کارگران آتش زدند.



روز سیزده بدر گروهی از جوانان محل نمایشی با نام "سنتینگ امیرالایم" برپا کردند و آتش زدن برپا کردند و مردم که برای گذراندن سیزده بدر به آنجا آمده بودند با اشتیاق بسیار به تماشا می نشستند.

در این نشانی تریگوگیی ما سنتهای سرما به داران و جوانان امیرالایم آتش را برای زمین بیرون دست آوردهای انقلاب و به انحراف گسیلاندن انقلاب برای مردم گفته شد که با شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر شاه و کارگران" مقبول قرار گرفت.

در قسمت آخر شتابان از زمین سرما پیسسه داران و بچه در صفحه ۳۸

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و وابستگیش

شوراهای محلات (بنکها) در سنج

وا بستگی خاصی به هیچ جا ندارند. بسمه جزوه ای بسمه بدهد که در آن از فعالیت های دو ما ه هیئت موسس و همچنین وثا ثت شوراها و بنکها صحبت شده که ما مورد وثا ثت شوراها در اینجا استفا ده می کنیم.

شوراها در زمینه های سیاسی، نظامی، اقتصادی و تدارکاتی، امدادی و رفاهی فعالیت می کنند. فعالیتهای سیاسی شامل فعالیتهایی از قبیل تشکیل جلسات بحث و سخنرانی و دعوت از نظرات مختلف سیاسی برای شرکت در این جلسات، نمایش فیلم، اسلاید، ایجاد نمايشگاه کتاب و عکس و پوستر، ایجاد کتابخانه و کلاسهای سوادآموزی و هندسه های مطالعاتی می شود. درسا به فعالیتها به یکدیگر شوراها و بنکها مردم از آگاهی سیاسی عمومی بالایی برخوردارند.

فعالیتهای انتظامی شامل تأمین امنیت محل از طریق ایجاد گروههای نگهبانی آموزش نظامی دادن به مردم می شود که عمدتاً به بنده بنکها است ولی بهرحال شوراها سعی می کنند که همه مردم آموزش نظامی ببینند. بنا به گفته مردم از زمانیکه انتظامات توسط جوانان شهر حفظ می شود، حتی یک مورد دردی هم در سطح شهر دیده نشده و مردم از این وضعیت بسیار راضی هستند. در رابطه با فعالیتهای اقتصادی و تدارکاتی شوراها و بنکها وظیفه دارند که با واقعیتها سازگاری داشته باشند و راهکارهای عملی را با توجه به نیازها و مرحله تقسیم کنند. همچنین با بدیا گرانفروشی و

در شهرها با مال برای بدیا و زکود سنان راهی این بدیا رتدمودنی را در سنج گذرانند. اولین نکته ای که توجهمان را جلب کرد لباسهای رنگی محلی کردی برتن زنان و مردان بود و محیط آرام و آرا من بخش شهر، مردم نشکر و فوق العاده صمیمی بودند و از همگان نوروزی با جان و دل بدین سراسی می کردند. فضای دموکراتیک غالب بر شهر که امکان فعالیت آزادانه تفکرات مختلف را ممکن می ساخت ویژگی خاصی به این شهر می بخشید. بعد از مدتی کشت و کار در زمین شهر برای آشنا شدن بیشتر تصمیم گرفتیم با مردم صحبت کنیم و از احوال جوانان سویم. در همین حال با زنی آشنا شدیم که بعد فهمیدیم عضو شورای محلات سنج است. از او مورد اوماغ عمومی شهربریس وجود کردیم. می گفت: "املاط سطح شهر سنج مراکز بنام شوراها و محلات و بنکها با شرکت خود مردم تشکیل شده اند که کارها را درست دارند. مردم به این شوراها و بنکها وادامه کارشان علاوه طبعمان زیاد دارند. این شوراها برای این بوجود آمدند که در بالا بردن سطح آگاهی مردم و همچنین حفظ اتحاد و همکاری بین آنها واداره امور شهر به دست خود مردم آنها کمک کنند. البته پیش از تشکیل شوراها محلات، بنکها با همت جوانان هر محل بوجود آمدند که در اجرای وظایف شوراها و بخصوص در مورد حفظ انتظامات شهر همکاری می کنند. ضمناً این شوراها و بنکها دموکراتیک هستند و

پیوسته باد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران و مبارزات حق طلبانه زنان

احکام را محتاج مردم مقابله کنند. به عنوان نمونه چندتا بنابر احکام رزده از راق عمومی کشف شده و اجناس آنها با قیمت مناسب در اختیار مردم و در درجه اول محلات کم درآمد نگذاشته شده. این کار باعث می شود که بسیاری از مشکلات مردم در این راه را به زین برود و این مورد استقبال مردم و بخصوص خانوادها می گردد. مدتی در این خصوص صورت گرفته است: کمک در بهبود وضع رفاه یک شهر تشکیل کمیته امدا در مجلات و آموزش امسا در امسا ده از اکتیو های پزشکی و متخصصین داوطلب ایجاد کمیته پزشکی جهت کمک و معاینه و امدا و ایروستا نشان اطراف امیا را که در شرایط جنگ قادر به آمدن به شهر نبودند. همکاری هیئت موسس با سازمانهای سیاسی و شوراهای و سکنه در امر مبارزه با اعتیاد و جمع آوری معتادین و مداوی آنان و شناسایی عاملین فروش مواد مخدر و مترویات الکلی و سربازان کشف کنندگان قمارخانه ها که سکنه ها توانستند خود را بکند و نفوذ معتادین را مداخله و نظارت کنند. لازم است اما فهم کنیم که چندین پیش از دگای خلقی برای محاکمه عاملین فروش و توزیع مواد مخدر که بدین طریق دستگیر شده بودند با شرکت جمع انبوهی از مردم تشکیل شد که در آن اعتبار دوی بدیختی خود را خود گفتند و عا ملین اعتبار دوی بدیختی خود را معرفی کردند و همچنین متهمان به دفاع از خود پرداختند. از نتیجه قطعی و احیاناً اجرای احکام این دادگاه هنوز مطلع نیستیم.

تعیین نمایندگان در مشکل در شوراهادر انتخاباتی آزاد، مستقیم و محلی با اکثریت آرا صورت می گیرد و نمایندگان اطمینانی علی البدل اضا و مختلف یا توجه به مسائله سایر زنان نشان انتخاب می شوند. معیار تعیین حدود هر محله. متحدان محله و اطراف آن است، هم اکنون در سنج حدوده شوراهای فعالیت دارند. البته در بعضی محلات به علت موجود

نبودن شرایط برای فعالیت توأم مردان و زنان مشکلات مشابهی برای زنان ما کما ک خود آنها بوجود آمده.

از این زن کرد عضو شورای محلات در مورد فعالیتها زنان سؤال می کنیم. در پاسخ می گوید: "ما کلاسهای خیاطی، گشکهای اولیه، پیکار با سیسوی، آموزش نظامی و سیاسی دادیم و زنان به نسبت امکانات و تواناییهایشان در اینجا فعالیت می کنند و چیزها می گیرند. ما در مورد مسائل خاص زنان و وظایف و نیازهای آنها که همه تحملشان می کنیم و راه مبارزه با آنها هم صحبت می کنیم. ما در آن بچه های کوچکی در مواقع فعالیت در شوراها، فرزندانشان را با خود می آورند و بطور کلی علاقه و شغف زیادی در قبال وظایفشان از خود نشان می دهند؛ البته برای آنکه کارها با ما در شورا ما نمی برای فعالیت های دیگرمان موجودند و درسی می کنیم و طایف همسری، مادری و اجتماعی خود را با هم هماهنگ

آنچه ما اکنون در شوراها و سکنه های سندج میگذرانیم بخواهی اشکار میماند و زمانیکه خود مردم در تعیین سرنوشت خود دادار و مورمل و شیخبر و منتظره مربوط به خود یعنی لانه شرکت داشته باشند میتوانند بسیاری مسائل و مشکلات خود را حل کنند. شوراها و سکنه های سندج ثابت کرده اند که بر خلاف آنچه عده ای سعی می کنند عامل هرج و مرج و کاهن تولید و غیره را خواست بر حق مردم می باشد ایجاد شورا بداند، این نظام شورائی و نبودن قدرت به دست مردم (کارگران، دهقانان، کارمندان، مردم محل...) است که می تواند کار را با شاد و زهرج و برج، کاهن تولید و توزیع را برابری و دغدای، گران، کمپانی و غیره جلوگیری نماید.



بنیانه اتحاد ملی زنان به مناسبت ۱۲ اردیبهشت روز معلم

با درود به معلمین ما روز آگاهی که نقش بی نظیر و سازات خلقهای ما ایفا کرده و همچنان در دادگاهها و محاکمات فرزندان ما سهمی بسزا سپرده اند.

۱۲ اردیبهشت، روز معلم را گرامی می یادیم. روزی که معلمین ما روزا بران منت محکم بسزایان با و کوششهای زرم سپوده و منحن پهلوی زندگیا و شاد رخن خود را گشای ما زرات ما بر معلمان کشورمان دادند.

معلمین آگاه و مراز:

کشور ما بر سر خط چندین دهه است امپریالیستها سرگردگی امپریالیسم آمریکا فرا داشته و سرما به اداری جهانی تا نفوذ خود همچون بختگی به شما مشغول زندگی توده ها جنگ انداخته است و شما مینا های تنگین خود را چون کوهی بر دوش توده ها قرار داده است! امپریالیسم جهان بخوار علاوه بر تنگین بر رشت، پلیسی زندانیها - از ما نشانهای امنیت و حفاظت و نیروهای ویژه برای سرکوب ما زرات مردم، از نظام آموزشی و بسته برای توزیع فرهنگ منحن امپریالیستی بهره می برد تا خطه خود را ندا و مبخشد. امسا هما نظور که ما زرات سالهای گذشته خلق قهرمان نشان دادند ما این نفوذ و خطه زراتی امکان پذیر است که توده ها آگاه به وضع خود باشند و شما

معلمین ما روز آگاهی که در راه خطه مستقیم و مستمر با فرزندان زحمتکش و دلیر! بران هستند و بطرفهای سس سکن سپرده اند. شما در زندگی روزمره فرزندان زحمتکش ما قرار دادید و مسئولیتها و نیندر هر لحظه زندگی آنها پیش این سازمانها و ... و اداریه کئی و استعمار آنها نشان دهید و شما مینوا تندیای توزیع فرهنگ اصل مردمی در بین آنها با این فرهنگ بسپوده امپریالیستی ما زده کنید. شما مینوا تندیای عا مری آگاه که در خدمت امپریالیسم و اصل دا خلقی در آمده اند! شما نشان ما زرات نقلی تربیت کنید که بر علیه نفوذ امپریالیست ما مبارزه سخت و بیگانه داشته باشد. نقشی که شما معلمین در روشنگری و بالاردن آگاهی ما بسپارید

دانش آموزان در سربریچس سپوده نیست. ما این روز را تا کیدر اهمیت نقش معلمین در بالاردن آگاهی توده ها و با ما معلمین ما زرات که در راه قطع نفوذ امپریالیسم و اصل دا خلقی ما زرت کرده اند و با ما خشنودگرا می یادیم.

"اتحاد ملی زنان"

گرامی باد خاطر همه شهدای خلق

اخبار ایران

• **دنبال اخراج و بازداشت ۴ تن کارکنان صنعت و خدمات نفت آبادان -** نمایندگان شورای اسلامی کارگران بایرانگاه آبادان و خدمات مرکزی نفت، خواهان آزادی و بازگشت یکاخراجی ها و مناظره تلویزیونی با معین فر وزیرنفت شدند. آنان طی بیانیه خود اعلام داشته اند که «تلاش نمی بینیم که در این سرازه از زمان با توجه به اصل ۴۶ و ۲۷ قانون اساسی وزیرنفت قانون اساسی را نقض کرده و با عت شنج درخاستن ارکان مملکت شود.»

• **دروا جل با بانی امتحانی که منظمشور** استخدام معلم زاد و طلبان نسکیرند، مباحه ای با آنان انجام می شود. به نمونه ای از اسئوالات مباحه که بیا نگرینفتش عقاید از نوع آشنایی گذشته است توجه کنید:

- ۱- دوشاگرد به طرفداری از حزب یا دستقی دعوا میکنند، موضع شما چیست؟
- ۲- چه کتابهای خوانده اید؟
- ۳- نظرات را در چه به دانشجویان پیروخط امام چیست؟
- ۴- آیا اصول مقدماقی فلسفه را خوانده اید؟
- ۵- جراسیلستان از ریشتان بلندتر است؟

• **وزارت کثورطی اطلاعیه ای به «عاملان تخریب، تخمن، کم کاری و... درواحدهای تولیدی صنعتی وکشورزی با ادارات دولتی و خصوصی «هتدارداکه بعنوان ضدانقلاب محاکمه شده و مجازات خواهند شد.»**

• **اعصاب و تخمن ۷۰ روزه کارگران انتضارات امیرکبیر، جیبی، خوارزمی و انبار سرازه نامیا**

توافق آنان به کارفرما و مدیرعامل شرکت مپا بیان رسید.
در متن این توافق نامه موارد مورد توافق شرح زیر قید شده است:

- ۱- **عدم اخراج کارگران ۲ -** تقبیل هزینه هر فرورنگا و توسط کارفرما ۳- **اعاده حیثیت از کارگران ۴- عدم فروختن نیرونگاها ۵ -** پرداخت حقوق ضایع بنده کارگران ۶- **حسابرسی نیرونگاها.**

حمله به یکی از خانه های صادره شده

• **ساختمان لاله واقع در آبریا با توسط ۱۲ خانوادهمختکن که از جمله های جنوب شهر آمده بودند چا ربا و قفل اشغال شد.** این ساختمان مدت پنج سال خالی مانده بود و متعلق به یک تاجر فرش و دوسرما به دارفراری است. در این جها رماهی که ساختمان به تصرف زحمتکشان جنوب شهر در آمده، سهاره آن حمله شده است. یکبار مردان رادستگیر و سه ردا ان اولین برده اند که علت اعتصاب غذا و حمایت مردم آبریا از کرده اند. در درگیری هفت گدشته و تفرار آنها و دوساره ما با رداخت میکنند. اما به این خاطر که دولت سرازه ما حیا با ساختمان سرما به داری فراری هستند و در خارج ارکشور میسرند، به انانواده ها اجازه داده شده که بطور موقتی در ساختمان باقی بمانند. البته اینکه این حکما تا چه موقع مانع از حمله مجدد به ساختمان میشود، روشن نیست، اما بهر حال اهالی این خانه مهم هستند که در هر شرایطی در ساختمان بمانند و آنرا ترک نکنند.

• **حکومت فدردمی عراق در پی تحریکات و توطئه های چند ماهه اخیر خود دست به اخراج هزاران تفرار از ایران باقیم عراق زد.** این اسبزد هم اکنون در نقاط مرزی ایران موقتا اسکان داده شده اند و یک فوری نیا زدارند.

• **بمستوردا بره مبارزه با منکرات از این پس مجالس سخن و عروسی با بده دروسا لن مجسرای زنان و مردانه برگزار شود.** این دابره اعلام داشته است که از برگزار مراسم (مختلط) بندت جلوسیری خواهد کرد. همچنین در این مجالس زنان و مردانه، هنرمندان منحصرا برای زنان و هنرمندان مرد برای مردان سرازه اجرا خواهند کرد.

• **دو تن از کارگران سیمان تهران برای سار کردن گرفتگی تخیقی که ارتقا عن ۸ متر است بدون توقف و در پی فروریزی خاک، در سزان مدفون شدند.** زیرا کارفرما نصب دستگا ختکن را برای جلوسیری از چندنگی انتهای حفیت و صرفه نمیدید. گروهی از کارگران سیمان تهران بدین مناسبت اعلامیه ای بخش کردند که در آن آمده است: «کارگران دیگری شهید شدند، کارگران دیگری از میان ما رفتند... آنها توسط سرما به داران و باخرمانا غیبتشان قربانی می شدند، سرما به داران خون آنها تمام هستنی ما را بیخام میسرنند... و به سهای خون ما قرض میسارند مرگ بر شما، بر همه آنها...»

کارکنان شرکت معایرات چه میخواهند؟

• **سواری کارکنان شرکت معایرات در ۱۶ آند سال گذشته دروا با مشکلات موجود در شرکت معایرات با معایره به ریاست جمهوری ارسال داشتند.** در بررسی این امر به سواری کارکنان معایرات به ریاست جمهوری آورده میشود: آقای رئیس جمهور یکی از دستاوردهای اصلاح انقلاب اسلامی ایران تشکیل شوراهای مردمی به منظور مشارکت تک افراد در سرنوشت خویش است و اینک در شرکت معایرات ایران، شوراهای تک نیا با انقلابی - اسلامی است مورد چشم ایزان با فتنه گر هها و مانا سر مرتع فرا گرفته شورایی که خواستهای اصلی اش لغو قرار داده های امیرالبنی

افتا و محاکمه معایرما و یکی رسا خسری و وانسگان رژیم مفسور سلوایی - سکارگیزی درست نیروی کارکنان در جهت ارائه خدمات مردمی و بطور کلی هدایت این سارمان در مسیر اهداف انقلاب اسلامی ایران است.

آقای رئیس جمهور با توجه به سخنرانیهای متعدد شما بخصوص سخنانتان در شهر مقدس مشهد که مردم را دعوت به مذاکره برای حل مشکلات نمودید و سیر به دلیل شرایط مشخص اجتماعی مجمع عمومی سما بندگان کارکنان معایرات تصمیم گرفت که تا پایان انتخابات در انتظار اقدامات مقامات و شخص شما باقی بماند به این امید که در این مدت به مسئله رسیدگی و تسهیقات بوجود آمده رفوع گردد. در همین صورت مسئولیت انجام هرگونه حرکت اعتراضی امیر متوجه مسئولین خواهد بود. در پایان تا ر دیگر خواستهای حق خود را اعلام میداریم:

- ۱- سارین گرفتن اطای و اسنادشورا و رفع هرگونه تبعیضی از ادا معایر لستهای شوراها.
- ۲- لغو بدون قید و شرط کلیه احکام انفعال داشم از خدمت... بارشکنی و معلق کارکنان مسارر و سما بندگان شوراها و ادا محبت از آنان.

جمع عمومی شوراها یا جامعه کارکنان شرکت معایرات

• **بمنظور آفتای فاجعه اندیشنگ و اعتراض به کشتا ریسکاران روزه ۳۰ سفند به عوت سندیگای پروژهای آبادان و حومه را هبماقی اعتراضی انجام شد.** کارگران شما رسیدند، جنگیدیم، خون دادیم اما هنوز سکاریم، زن و بچه گرسنه سیرش نشسته، دولت سرما به دار حرف سرتش نمیشد.



دومیتیلای سخن میگوید



نویسنده: نهمو یزوار

«دومیتیلای سخن میگوید» داستان زندگی معدنچیان بولیوی، ربهها و مسازرات آنهاست. گوینده داستان «دومیتیلای زن سک معدنی، مادر هفت فرزند و رهبر زنان مسازره (کاتاری) است که از آتروکه زندگی سزمندی مردمی که برای آزادی خود می جنگند در ارتباط است آنرا داستانی شخصی نمی داند.

نذکر این نکته ضروری است که کتاب در دست ترجمه است و بر روی متن کامل آن حساب خواهد رسید.

نشکلیات کارگران

ما اساساً نسبت مبارزاتی بولیوی را به طبقه کارگر معدنیسم که جا و نداد است اتحادیه به دست حکومت نیافتند. اتحادیه همواره با بدیک سازمان مستقل با نمودنی طبقه کارگر ارتباط کند. این سهجوجه معنای غیر سیاسی بودن آن نیست. اتحادیه هیچ عنوان نمیتواند خود را در خدمت دولت قرار دهد، چون اگر توجه کنیم حکومت های سرما به دار ما میبندد که رفقا ما هستند و از آنها دفاع می کنند پس اتحادیه ها هرگز نیاید در خدمت آنها باشند. کارگران معادن در اتحادیه ها

مشکل شده اند. برای مثال جایی که من زندگی می کنم اتحادیه وجود دارد: اتحادیه معدنچیان کاتاری، اتحادیه لوکاتاریوس های «بیمت اکثیر». اتحادیه مشترک تقریباً تنگ با فته اند. اگر رفقا معدنچیان مسئله خاصی داشته باشند و کارخانه ها یا سندوکا رگران کارخانه مسئله دیگری، تمام چیزها را روی کاغذ می آورند و در کنگره ای مسئله مطرح می کنند که می خواهیم برای معدنچیان فلان کار را انجام دهیم و برای کارگران کارخانه، رانندگان کامیون، رفقا، کارگران راه آهن و غیره نیز وجود دارند. هر گروه اتحادیه ها فدراسیون

اتحادیه کارگران بولیوی است. وقتی کارگران کارخانه بدجوری مورد حمله واقع شده اند و تحت فشارند، اتحادیه کارگران بولیوی تمام بخش های دیگر را به نطرات دعوت می کند و از کارگران کارخانه پیشمیانسی میکند. و اگر معدنچیان دچار مشکلند، رفقا اتحادیه کارگران بولیوی همه اتحادیه های دیگر را فرا میخوانند.

بعضی اوقات هم من و رفقا سالم و ترا فتمندی را پیدا می کردیم که می خواست به طبقه کارگر خدمت کند. او را انتخاب می کردیم و بعد رفقا موشی می کردیم و در برابر حکومت تنها راه پیش می خدیم. این ها ما میل بسیاری برایش می افزودند. دست آخر چه چیزی می توانست اتفاق بی افتد بعضی از آن ها خود را به حکومت می فروختند، دیگران کشته و با ما نمی دادند می کشتند. و به این ترتیب ما هرگز یک رهبر خوب نداختیم. چرا؟ این عمده به خاطر اشتباه خود ما بود.

ولی با گذشت سالها ان ارزش همستگی را شناختیم. رهبران انقلابی و متعهدی ارتباط کارگر پیدا کردند که به طرز صحنی شروع به هدایت درست مردم کردند. البته حکومت برای دراز کردن ما را طبعه کار کرده اند. قتل عام ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ و بعد در قتل عام دیگر ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ را این قبیل است. قتل عام های و فعالیت های که در آن صدها و صدها نفر جان خود را از دست دادند. اما قتل عام ها، به جای آن که باعث از هم پاشیدن و مقاببت نگا هداشتن مردم شوند، آنها را هر چه بیشتر نیرومند ساختند، و امتیازات گذشته ما را تصحیح کردند. در ۲۰ سال گذشته چندین رهبر درستکار ساخته شده اند، کسی که خوب حرف می زند، لزوماً خوب عمل نمی کند، درست؟

همچنین به عقیده من در کار تنگ کردن ما، با یاد توجیه خاصی به ترتیب رهبران داشته ایم. در گذشته به علت بیخستگی، به علت عدم هویت یاری انقلابی، به علت عدم پیوستگی ما، بسیاری از رهبران خود را به دولت می فروختند، که اوقات به با طرابین بود که ما آنها را به عنوان درستی انتخاب کرده بودیم. مثلاً ما همیشه مرتکب این اشتباه بزرگ می شدیم و به آدم های خوش صحبت توجه میکردیم، می گفتیم «هوم! این یار خوب حرف می زند! او با بدیک رهبر حساب می آید!» و در بسیاری مواقع این امر واقعاً نداشت. فردا فردا هم حرف می زند، فردا خوب عمل نمی کند، درست؟

و اتفاقاً در آنها را وقتی آن طور که ما به عمل نمی کردیم، آموخته ایم. در ما نرفقای ما رهبران را و فعالیت کنترل می کنند و اگر از کار ما چیزی نمی شنوند، حتی بی جنب و جوش ترین آنها توجه ما را به آن جلب و از ما انتقاد می کند. به عنوان مثال، چندین بار رهبر به گریه انداخته اند. من همیشه بچه ها را توی خانه می گذا رفقا شوق تمام به یک جلسه و یا به رادیو می رویم مسئله ای را طرح کنیم. دربارت کارگری پیش می آید و میگوید «این چه مخرقاتی بود که پشت رادیو می گفتند، چه مخرقاتی!...» و چیزهای شبیه این. و این واقعاً از راه دهده است. اما ما بعد که به آن فکر می کنیم و سه موش می گوئیم، من در این راه با گذاشتیم، من با بدست رفتگری کردم، من با بدزدن رابع می ترمی شناختم. و این چنین است که تومی آموزی، وقتی رهبری در زندان است، من کورده، نه تنها با خودش بلکه همبندگانش را با خودش. بلکه رفیقی که در زندان است با میبندد تا در آن نظرونی حساب کند. نورخت را از ربه های زندان و با افسردگی ما است را فراموش می کنی و وقتی که به خانه می آیی و بچه ها به تومی گویند «ما، اتحادیه، اتحادیه، اتحادیه» به ما نگاه می آید و میگوید «بعداگر

توافق و شراقت نمودند. خود را نسبت به مردم برای همیشه متعهد می کنی، وجه نرسوبی روی زمین وجودند اردک بتوانند توراً از مردمی که چنان همبستگی و اعتمادی بنویشان داده اند جدا سازد.

ما چنین تجربه ای را داشتیم ما رفقای ما داشتیم که ترجمه است میدادند و بعد برده تا به ما میخواست کنند. بسیاری از رهبران ن تبعید شکنجه یا کشته شده اند. فقط به عنوان نمونه می خواهم به فردیکو اسکویا زانیا اشاره کنم. او برده و گاسپا میس می آرزو را آرا اسکراک کا ما کوآ، اشاره کنم. هر یک از آنها به طریقی نابود شدند.

میس من در وقتل عام سیان در ۱۹۶۷ در دفاع از اتحادیه ها، کشته شد. سوازلورا را تا منطقه روستایی تعقیب کردند و در آن جا او را کشتند. ایراک کا ما کاسا دستگیر شد و توسط ما مورین اداره تحقیقات جنایی (DIC) نابود گشت.

فدریکو اسکویا ره این طریق کشته شد که اول را بنده کا میوسی را جیر کردند تا او را زیر بگیرد، فدریکو زخمی شد و آن ها او را برای عمل جراحی به کلینیک در لاپاز بردند، و درست در آغا زمل جرای او مرد، و تا امروز نحوه مرگ او را روشن



قرار داده اند. حتی چند ما را قتل عام کردند. بعداً افرادی از سازمان کار منطقه ای کشورهای امریکای ORIT برای اجسرای دوره های آموزشی به معمدن فرستاده شدند. ORIT یک سازمان بین المللی است که توسط ایالات متحده هدایت می شود چون اتحادیه مستقلی با دویا به خود جذب کرده است. که به جای دفاع از کارگران شرکت و کار فرما ها دفاع میکنند. ملاحظه میکنید؟ ما در سولویوس آنها اتحادیه مردمی گویم.

ولی ORIT نتوانست است این نوع اتحادیه ها را در معادن ایجاد کند. امروزه کار به جایی

نرسیده که حکومت کلاسا زمان های اتحادیه ای ما را نابوده گرفته است. وی خواهد طلبه مرا است و ما مورسی را که مستقیماً سولیه خود دولت انتخاب و هدایت میشوند به ما تحمیل کند. اما طبقه کارگر چنین چیزی را قبول نکرده است. کارگران می دانند چه میخواهند. وجه آشکارا و جبهه پنهان آنها مانند گان خود را انتخاب می کنند تا بتوانند در مقابل استعمارگران متحد بسیار خیزند.

التهه تشباهاتی توسط رهبران صورت گرفته و می گیرد. شخصی به من نشان داد که چگونه ما را به کارگران الت دست رهبران شده اند. بلکه در واقع این هم اتفاقی افتاده است. معنی از رهبران هستند که مختصری به جنگ می آورند و پیش از آن چیزی نمی بینند و به خیال آن ها طریقی کارگرها بده در خدمت منابع و رهبران با ندا ما من مستخدمه یک رهبرند بهترین احترام برای مردم فاضل با سعد.

و اگر آن ها ما را به عنوان رهبران انتخاب کردند ما باید در خدمت آن ها باشیم به معنی. این احتمال است که تشباهاتی در کار باشد. و سید یک دلیل با علت واقعی کارگران مدته دیده باشند. من فکر می کنم این اتفاقات بیشتر به خاطر این تجربی که رخ داده اند. وقتی کسی بدون تجربه وبدون آگاهی بخواد رهرا هدیدی را طی کند باید که چندین بار به زمین بسا افتد و

دو باره رخیزد. به این خاطر است که ما باید تجربه ها بنویسیم بگیریم، خواه از تاریخ خودمان، از ما رزاتی که فدلار سولوی رخ داده اند، خواه از تجربیات مردم دیگر.

پس با شد شرح حال های سیاسی وجود داشته باشد. این اشخاص است که رویدادها را یادداشت نکنیم. نوشته های سیاسی وجود دارد. مثل شرح حال های که ما در اتحادیه یا استگاه های فدرالی معادن داریم. برای نمونه نوارها، که توسط ارتش ضبط یا نابود شدند. تمام آن ها برای ما خیلی مفید بودند. می دانید. حتی برای آن که رویش فکر کنیم که چه می کردیم و به تفکد آن سپردیم.

بنا بر این آن چه کنیم میگیریم این است که برای سازمان دهی طبقه کارگرها بدخیلی دقیق بوده و رهبران حسی انتخاب کرد. هم منظور این وظیفه مردم سادی. وظیفه توده ها است که رهبران را کنترل کنند، تا قدرت را در دست خودمان بگیریم، این خیلی مهم است.

التهه در حال حاضر نمی دانیم وقتی که قدرت را در دست میگیریم چه کسی رئیس جمهور خواهد بود. اما آنقدری وظیفه کارگرمطن هستیم که می دانیم یکی را باید خواهیم کرد. نیردمای خیلی بزرگ، خیلی طولانی و خیلی مهم است. هزاران رهبر وجود دارند. به تنهایی در میان است که

مردان بلکه در میان زنان جوانان مردمی بسا رشاع وجود دارند. این جا آن جا آدم هایی با فکرت می شوند که ما را از بیادش خود به قدرت می اندازند. مردمی که ذخیره گاهش با پذیری ارخیزد و قدرت دارند. و ما هرگز آنها را دست کم نمی گیریم.

ما زنان همسران مردان، با آنها دروغی که دارند کار می کنیم. ما زنان از یکپواره ما این عقیده داریم که ما برای فدرالی معادن یا این عقیده که ما طرفیت قبول کارهای مهم را نداریم، و این که به ما نباید اجازه دخالت در سیاست داده شود. اما ضرورت ما را وادار ساخت که زندگی خود را دیگرگون کنیم. یا نژده مال پیش هنگامی که طبقه کارگر دست به گریبان

خطرترین مشکلات بود، گروهی مرکب از ۱۷۱ زن تشکیل شد تا آزادی شوهرانشان را کشته ز رهبران بودند و به طرقتا فاضی اما فده دستمزده زندان افتاد بودند. به دست آورد. زنان پس از ده روز اعتصاب غذا به تمام خواسته های خود رسیدند. پس از آن تصمیم گرفتند که گروهی تشکیل دهند و آن را کمیته زنان خوانند. آنها در سیکلو ۶۲ا میزند.

آزادین پس این کمیته همیشه همرا و اتحادیه و ما برتشکلات سازمان های طبقه کارگر بسوده کرده است. برای همین است که

آنها به ما زنان هم حمله کرده اند چندین نفر را ما به زندان افتاده اند با برسی شده اند. و حتی بچه ها بمان را به خاطر این که همرا شوهرمان بناناره میگویم از دست دادیم. اما کمیته از زمان گرفت. و در سال های اخیر، به دعوت رهبران کمیته، چهار پنج هزار نفر برای نظا هرات سیزون رخته اند.

کمیته زنان خانه را مثل یک اتحادیه ما زمان با فته است و هما طور عمل می کند. به علاوه ما در فدراسیون کارگران معادن شرکت داریم و برای خود را اتحادیه کارگران سولوی نیز ما بسودا داریم. ما همیشه صدای خود را بگوش دیگران می رسانیم و نگران نیمه که وظایفی را که توسط طبقه کارگر به عهده ما گذاشته شده است انجام میدهیم.

موضوع ما، مثل موضع فمینیستها (Femenistes) نیست. ما فکر می کنیم که آزادی ما نیست به آزادی همبستگی کورتورمان از بیوغ امپریالیسم بستگی دارد. ما میخواهیم یک کارگر مثل خود ما بر سر قدرت باشد و بتواند آموزش و پرورش، همه چیز به وسیله این شخص کنترل شود. پس از آن، ببله، ما شرایط بهتری برای رسیدن به یک آزادی کامل خواهیم داشت. از جمله آزادیدن به عنوان زن.

بنده "زن کارکن و مادر" ...

اما فدائی که می شروع شده است. همه چیز دیگر کارخانه خوبی بنشین می رود. صاحب کارخانه سودها را از او دلی می رود می کند. او فقط چند کوبک اضافی برای امانه کار می میدهد. ولی اگر آنترای کنسی میدانی که در آن بنویسند. شکر خدا در دنیا بقدر کافی بنکار موجود دارد. ما شاهی می کند یا خواهی از خودخواه بر مری می بسوزد.

من سرودی سوزادی بدینا می آورم. ما باید همه چیز را آماده کنیم. بچه ها بچک می کنند کار میزنل هم هست. و بعد ما در بیرون هم هست که ما بد میزاییم

ولی مدیریت خوبی نمیکنند. او ما ما شاهی بی امانه رفتار می کند و او را در مقابل سوزان کارگرش تخفیر می کند: "اگر من شروع کنم که سوزان را با حمله مرمضی بدهم. آن سوزان است که کارخانه را تحلیل کند. اگر ما مردها نخواهیم ما مله نمی شود."

ما این ترسید ما ما. کارگر رنکوز. ما بدینا آخرین دقیقه کار کرد. اینست سوزان تقدیر سوزواری از ما در می.

تولد سوزاد

در منزل خانم ما. تولد سوزاد بیک واقعه بزرگ است. تقریباً یک تعطیلات است. خانه پر از کدوها. فایله ها و پرستارهاست ما در سوزی و تخت خواب نرم و تمیزی خوابیده است. روی میز پر از گل است. نوهش در کنار او است. نامه ها و تلگرافها می رسند. کشتن دعای نکرا نه میخواندند. سوزاد دقوی و سالم بدینا آمده است. جای تختب نیست. از ما تا آنهمه قربت کردند و در باره اش آقدرو سواش بخرج دادند.

ما شاهی رختخوی هم در حال وضع عمل است. در پشت پرده بیت در کوشه اطافی که پر از آدم است. ما تا دره نمیکنند. نمی می کنند یا فرسودن سوزان در سالن صدا بش را خفه کند. همما به ما همه مردم

کارکن هستند و صبح نیست که خواشان را بچمزد نزدیک صبح فایله وارد می شود. او چه را می شود و در رفتن می بی بچد. و بعضه بر سر امان دیگری می رود. اکنون ما شیکا در اطراف نشیاست. به بچه نگاه می کند. چه جلا فرستنی. استخوانی و چوک خورده. بنظر می رسد چشمهاش ما در باره خاطر اینکها و راندنیا آورده سرزنش میکند. ما شیکا تا نگاه می کند. و بعد ما میگرد. تا میاید دیگران ناراحت شوند.

ما شاهی مستخدم در باری یک دیوار در بیک کوچیک دور افتاده دهان را راندنیا می آورد. او بیک زانیکها و مرا همه کرد ولی بیرون. بعد ما نگاه دیگری رفت ولی از بیرون رفتن او این سها نه که ما بد با اوری انجیل از ما شده ای همرا اید داشته ما شاهی خود داری کردند. ما شاهی وضع حمل میکند. و سوزاد رفتن ادا می میدهد. راه می رود و کج است. بچه را در بیک دستمال می بچد. کما می توانا بد سوزو؟ هیچ جاشی ندارد. ما در دوخا نه تا رنگ می آید. که وقت ششکالی می فرستاده است. فردا بیلس صدی احترام می بوروزواری نه ما در می.

سوزاد ما ما. کارگر رنکوز. مرده بدینا می آید. بچه نمی توانا بد ما را ادا می آید. بخاری که ما در در کارخانه استنخا می کندند. بجای ارا که در رجم بوده میوم می کند. زایمان مشکل بود. خود ما تا هم تا نداشت که رنده ماند. ولی فردا شب آنروز و سلطه شده بود. جبرها را منظم می کرد. شست و شو و بخت می میگرد. چطور می توانا بد غیر اراین باشد؟ چه کسی مو اطلب خانه ما شاهی است؟ چه کسی مراقب غذای بچه ها است؟ خانم ما تا می توانا بد مطابق دستور دکتر سوزی مدت نه روز در تخت خواب می ماند. زیرا بیک گروه مستخدم دارد که در اطرافش بچرخند. اگر ما شاهی رنکوز در آن روز در سوزا رنکوزش پس از وضع حمل دچار بیک بیماری جدی خود بود و نتیجه ما جزو می میگرد. این دیگر فقط از بدینا شاهی است.

هیچکس نیست که از زن کارکن پرسنالی کند. هیچ کس نیست که ما رسکین مسئولیت را از دوش این زنان خسته بردارد. منگویند ما ماماری محترماست. ولی این تنها در مورد خانم ما شاهی ماحد است. محنت ما در می

برای خانم ما شاهی مادری یک واقعه لذت بخش است. وارث مالک کارخانه در بیک کودگشتن روشن و تمیز. تحت نظارت ما به های متعدد و بطا رت بزرگ رشد می کند. اگر خانم ما شاهی بعد از کافی شیرنداشته ما بدینا نخواهد که اندامش را جراب کند. می شود بیک دا به پیدا کرد. خانم ما شاهی خود را با بچه سرگرم می کند و بعد برای دیدن با اوری می آید. خرید ما شاهی با بچه بیرون می رود. کسی که مراقب طفل با عدد در سترس است. مادری برای خانم ما شاهی مسئولیت و تفریح است.

برای ما شاهی کارکن - رنکوز. با فایله و رختخوی. و مدعا هزاران زن طبقه کارگر - مادری بیک محنت است. آژیر کار ما نه زسان را برای کار فرما میخواند. ولی طفل او بیقرار است و گریه می کند. چطور می توانا بد او را رها کند؟ چه کسی از او مراقب خواهد کرد؟ او شتر را در شیشه میبرد و بچه را بزین همما به یا دختر بچه خودش می سیزد. بیکرا می رود. ولی از گرانای بچه بیرون می رود. دختر بچه قصدی ندارد و لوسی چیزی نمی داند. ممکن است سعی کند به طفل خیره را تکه تکه می بدهد.

بچه خانم ما شاهی روز بروز شکر می شود. مثل شکر سفید و سیب سرخ و قوی و سالم. بچه کارگر کارخانه. و رختخوی و کارگر می کند. رنکوز لا فرتر میشود. شها بچه بخود می بچد و گریه می کند. دکتر ما در باره سرزنش می کند که چرا بچه را با شیر خودش تغذیه نمی کند یا با بوجوی غذا نمیدهد. "وتسو خودت را ما در میخوانی. لا ارا گریه میبرد فقط با بد خودت را سرزنش کنی." مدعا هزاران مادر

کارگر

توریده دل بسینه می توان کارگر شوری و گفت جان من و جان کارگر شاد و گدا فقیر و غنی کیست آنکه نیست محتاج زرغ زار و غ و مهمان کارگر سرما به دار از سرخوان را ندش زبور. با آنکه هست بریزه خورخوان کارگر در خزیده خواهی. کی آیدش بیاید با ای برهنه بیکر غریبان کارگر با آنکه گنج با بردا دسترخت وی با مال می کند سوزا ما ن کارگر آتش جان او وزن از ما دکیرو عجب ای آنکه همچو آب خوری شان کارگر ترم که خانهات شود با محنتم خواب از سبل اشک دیده گریبان کارگر با کاغذ رفتن توبسوزد زنا رهبر از بزرگ آینه سوزان کارگر کی آن غنی که جمع بود خا طرش مدام رحم آورد بحال پریشان کارگر ای دل فدای کلبه سی سف بزرگاری وی جان نشا رخا نه ویران کارگر فرخی پردی

کارکن سعی نمیکنند وضع خودشان را توضیح بدهند. آنها میا بسند و سرشان را با شبنم میاندازند. و بنهانی اشکهای خود را با شبنم می کنند. آیا آنها می توانا بد بیکر سوزی یا چه مشکلاتی دست بگریه ما شاهی؟ آیا دکترها ورم می کنند؟ آیا او می فهمد؟



۱۵ - عروبه الفارسی کودکی -
 مایر بولش (کارگر)
 کتابی روز سوم
 ۱۳۲۰

با معاهای خوانندگان

« زن کا زگری اریسکی زکا رخانجات ریسندگی و فاندگی شمال برای ما هانمه "زنان در نماز" نامه ای فرستاده و در آن مسئله اخراج خود را توسط رئیس کارخانه شرح داده است. مایمنظور انگکاسی مشکلات این زن کارگرفتمنی اریا مه او را در زیر در می کشیم:

"آراخانچیکه میدانم یکی از ارکان آن مجلس نوشتن حقیقت است از شما می خواهم نامه مرا بابت کنید تا تمام مردم ایران بدانند در کار رخانجات ریسندگی و بافندگی ... چه میگردد.

ریاست این کارخانه که خود را در جمع مردان انگلیسی شهرت جا زده است. فیلاوا ردمسرب رستا خیر شده بود و زکارگان کارخانه دغسوت میگردد که در این حزب فعالیت کنند. یکی از کارهای این آفانکه اریا ساری کارگو کارفرما دم میزند. این است که از روی غریب شخصی رسه سپانه اخلالگری و غیبت های مکرر مرا از کارخانه اخراج کرده است. مسخره ترین است که وقتی من به اداره کارگاریت کردم و مسئولین آرا آنها مدرک خواستند. هیچ چیز نداشتم که تحویل بدهم و دست آخر گفتند که به وجود ما بمان احتیاجی نداریم. سعی داشتم بدهی بگویم بطور عمده اردو سال و اوندی کارگردن و جان دادن به وجود من احتیاج نیست. اخلالگری من در این سوکه ارفع خود دفاع میگردم. این آفانها لادار رسد زمینه را برای راه یافتن خود به مجلس خورا ساز میکنند. نمیدانم بمان که به فکر کارخانه و ۷۰۰ نفرمان خوران نیست بطور می توان بده فکر تمام مردم ما شد.

« خانم شهبان آریا منش در نامه ای که به امام خمینی نوشته و در نوشتن آریا منش ما هانمه "زنان در نماز" ارسال کرده اند. به تبعیض و ناسر بری حقوق زنان با مردان در نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن افسوس را نموده اند. با توجه به محدودیت های موجود در چاپ کتاب ملی نامه مذکوریم. در زیر قسمتها سی از آراسی خوانند:

"... من همواره با خود میگفتم چون اسلام گفته با بدبا زمان جلورفت بنا بر این امروز که در جهان اعتقاد دیر ظلمی است که نسبت به زنان روا شده بی اسلام بیشتر حق را برای آسان فاضل خواهد بود. اما جای بسی تاسف است که هر چه نظام جمهوری اسلامی استقرارش مطمئن تر میگردد. این اطمینان را بیشتر از ما سنگت میکند. در اینجا چند مورد آن را بنظرشان میگردد: وزارت دادگستری زنان را که پیش از ده سال از اشغال آنان به قضاوت سیری گشته با گپان موردی مهربی قرار میدهد. قانون حمایت خانواده لغو و غیر قابل اثر میشود. در آفسل بیعت و یکم قانون اساسی. بند چهارم در سیرت زن نمایانده میشود و در سیدینج ولی شرعی نسبت به مادر در سیدینجاری فرزندان تقدم دارد.

در بیان نامه تازه شده که تحقیق زنان تحقیق جامع است و باید فاضل آرا بشکسته این مسئله موجب اتفاق شود. آران جلورگیری خود.



ما خواهان برانداختن بدون استثناء همه مقرراتی هستیم که هدفشان محدود کردن حقوق اجتماعی و سیاسی زنان است.

بقیه مبارزه با سیکاری

تا ۵۰ نفر سیکار رفقا را در آنکه با کمک ووا مدولست در رشته های کشتا وری، دا میروزی، سا ختمان تعمیراتی وضعتی کوکب با متوسط به کار میبردند. اکتال عمده طرح آنست که مراکز تولیدی کوچک و مستقل نمیتوانند در عرا بطی بوجود آیدند که وابستگی های اقتصادی به امیربا لیسیم چون گذشته با سرجا مانده اند. بدون ایجاد صنایع مادر و احیای کشتا وری، زیربنای محکمی برای واحد های کوچک تولیدی وجود ندارد که بتوانند تولید مستقل و با آوری را برای آنها تضمین نمایند. فاسیل پیش بینی است که این تعارضاتی ها در صورت تشکیل با نتوانند در مقابل سبیل کالاهای امیربا لیسیتی دوا مینیا و رید یعنی از زمین بیرون و با آرتا که ارجح و فاسیل و قطعات بدکتی و غیره وابسته به امیربا لیسیم میمانند، سرما بهای وابسته ای تبدیل شوند که وابستگی اقتصاد ما را به امیربا لیسیم پیش ازین محکم نمائند. آخرین اعتراضی سیکاران نیزه این بر ما مینویسد و آن را "طرحی خیالی" خوانده اند. اما آیا برستی این نیروی کار عظیم میباید بی معرف باشد و هیچ راه عملی برای سبیل مشکل سیکاری وجود دارد؟ آنها نمیتوان این طرح سیکاران را که خواسته اند از آنها در طرح های عموائی، دردهات و روستاها برای جاده سازی و... استفاده شود. عملی کرد؟ آیا نمیتوان از وجود بیلیسمه های سیکار در اموری چون سواد آمیزی در سطح شهرها و روستاها سود برد و متخصصین سیکار را در راه ایجاد صنایعی مستقل و ملی به جای متخصصین و متاوران خارجی به کار گرفت؟ بالاخره دولتی که در مورد قطع مساعد های دولتی به احتیاط و کااهای ضروری اکثریت جامعه چون نان و گوشت چنین با سرعت تصمیم میگیرد و با اینکار ربه کاری موجود است میبزند. تا کسی میخواهد نسبت به گریسگی و سیکاری فریب ۲/۵ میلیون نفرا را فراداده (با احتساب

- بقیه سرگوزاری سنت های نوروزی ...**
- ۱- ما میان امیربا لیسیت آنان قطعاً ما بیشتر از سبزی خوانده شد که محتوای زیر را داشت:
 - ۱- سرما به داران در قدرت یا شندو هر چه در توان دارند بر سر ما نندن بر قدرت بگذارد و همه سبزیهای غذا امیربا لیسیت را که در حکومتها شنبوه های سبزی را و صحت خا رج ساخته و راه اسرای بازگشتن آمریکا هموار سازند.
 - ۲- به نظا هرات و میننگها بی که بسوی سبیل نیروهای غذا امیربا لیسیت بریا مینود حمله شود و سعی در ایجاد درگیری نمایند.
 - ۳- هر گجا توری واقعی بریا شد ترا نباید کند و عا ملین آنها را به زندان میاندانند.
 - ۴- کسانی که برای مردم قائلیت میکنند آرام و بدون سزودا ترور شوند.
 - ۵- از ادا به افشاکری ها به هر شکل جلوگیری شود.
 - ۶- درصیاست خارجی بیشتر با کشورهایی مثل ژاپن و فرانس و... رابطه برقرار شود.
 - ۷- میان مردم ایران اختلافاتی نظیر سبیل و شی و... انداخته شود.
- «ما همه میروزی سرما به داران سبزرگو امیربا لیسیم آمریکا!»



خواهاده باشند حدود ۵۰ میلیون نفر) تفاوت نمائند؟ به اعتقاد ما مبارزه با سیکاری در واقع یکی از شیوه های عملی مبارزه بر علیه امیربا لیسیم است و علاج سیکاری ونا مین کار برای همه افراد جامعه ممکن نیست مگر آنکه نفود امیربا لیسیم را روابط اقتصادی حاکم بر داشته شود. سرما بهای وابسته ملی شوند. مالکیت های بزرگ ارضی ملی گردند. امور تولیدی به شوراهای واقعی کارگران و دهقانان سپرده شده و تولید ما لکیت در جهت منافع خلق جدید سازمان یابند.



آوریل

زنان در مبارزه، را میبواند از

شاهنگ نهران خبایان انقلاب خبایان فروردین کوجه مشق

میسیا نهران، خبایان انقلاب، خبایان فروردین

پیمان نهران، بازارچه کباب

نهی کند

